

جهانی شدن اقتصاد و ضرورت همگرایی اقتصادی منطقه‌ای ایران؛ مطالعه موردی: سازمان

همکاری شانگ‌های

مهدی محمدزاده راوندی^۱ - حجت مهکویی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۳۱

چکیده:

پدیده جهانی شدن اثرات بسیاری بر شاخص‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی کشورها از جمله حاکمیت ملی کشورها، اقتصاد و گردش کالا و روندهای منطقه‌گرایی و ائتلاف دارد. در این بین منطقه‌گرایی، از جمله بازیگران جدید در روابط بین‌الملل هستند که از نیمه دوم قرن ۲۰ و همزمان با جهانی شدن به سرعت گسترش یافته است. یکی از بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین این منطقه‌گرایی از لحاظ گستره جغرافیایی و جمعیت، سازمان همکاری شانگ‌های است که در سال ۲۰۰۱ پایه‌گذاری شد. تحقیق حاضر با روش تحلیلی به بررسی جهانی شدن و منطقه‌گرایی به عنوان یکی از گزینه‌های پیش روی ایران در این فرایند با تاکید بر سازمان شانگ‌های می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در فرایند جهانی شدن ایران ناگزیر از ورود به ائتلاف‌ها و منطقه‌گرایی است و در این روند، حضور جدی‌تر در سازمان شانگ‌های به دلیل سابقه تاریخی، همجواری جغرافیایی، حضور همسایگان موثر و قدرت‌های بزرگ جهانی و بازار مصرف بسیار وسیع، ضروری است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد، منطقه‌گرایی، سازمان همکاری شانگ‌های

^۱ - دانشجوی دکتری، جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

mahdi_ravandi@yahoo.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران: نویسنده

مسئول

hojat_59_m@yahoo.com

مقدمه

بحث جهانی شدن از چند منظر، قابل بررسی است. برخی آن را فرآیند تکمیلی نظام اقتصاد جهانی می‌دانند. برخی آن را یک حالت جبری و قهری در راستای سلطه‌خواهی دنیای سرمایه داری می‌دانند و برخی نیز آن را در بستر آرمان‌های بشری که مبتنی بر مکاتب فلسفی و دیدگاه مبتنی بر جامعه واحد جهانی است، تعریف می‌کنند که البته بین این نگرش‌ها تفاوت‌های اساسی وجود دارد. در هر حال آنچه امروزه به عنوان جهانی شدن مطرح است، فرایندی است که با تاکید بر روی محور اقتصاد صورت می‌گیرد که البته ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن نیز برجسته است. در این دنیای جهانی شده، برای دستیابی به اهداف و منافع ملی و برقراری امنیت، ائتلاف با دیگران در سطوح مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی ضروری است. زیرا هزینه بازیگر منزوی بخاطر دوری جستن از ائتلاف‌ها گزاف‌تر خواهد بود. با مفروض دانستن این مساله، دولت‌ها باید به این نکته توجه نمایند که کدام گروه از کشورها و در چه نقطه‌ای از جهان برای او سودمندی بیشتر داشته و با هویت ملی‌اش سازگارتر است. در زمینه همگرایی اقتصادی، مطالعات متعددی در داخل و خارج کشور انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

هلپمن و کراگمن (Helpman and Krugman, 1985) با مطالعه موردی خود روی کشور مکزیک (عضو نفتا) به این نتیجه رسیدند که منطقه گرایی موجب افزایش، تنوع تولیدات و صادرات کشور مکزیک شده است. کروگر (Krueger, 1999) نشان می‌دهد که نفتا سبب ایجاد تجارت و نه انحراف تجاری بوده است و افزایش تجارت آمریکا و مکزیک را سبب شده و صادرات مکزیک به آمریکا با سرعت بیشتری نسبت به رشد صادرات جهانی، رشد نموده است. والاک و همکاران (Wallac, 1002) آثار منطقه گرایی در آسیا و اثراتش روی تجارت را با استفاده از مدل جاذبه برآورد کردند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که موافقت نامه‌های ترجیحی تجاری باعث ایجاد انحراف تجاری برای کشورهای عضو می‌شود. آذربایجانی و همکاران (۱۳۸۱) مناسب‌ترین ترتیبات تجاری - منطقه‌ای را برای اقتصاد ایران بر اساس شاخص‌های همگرایی و جهانی شدن جمعیت، فاصله و تولید ناخالص داخلی، مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج عملی این تحقیق، نشان می‌دهد که همگرایی اقتصادی اکو توانسته است حجم جریان -

های تجاری دوجانبه کشورهای عضو را افزایش دهد و فرصت‌های مناسبی برای افزایش واردات و صادرات ایجاد کند. (نجزارزاده و شقاقی، ۱۳۸۵) برای بررسی تاثیر همگرایی منطقه‌ای بر جذب سرمایه‌های خارجی کشورهای اسلامی عضو منا، از الگوی تعمیم یافته جاذبه استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که همگرایی منطقه‌ای بین کشورهای اسلامی منا، حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی متقابل بین کشورهای مذکور را افزایش خواهد داد و لذا می‌تواند دلیلی بر همکاری بیشتر این کشورها باشد. (شکیبایی و بطا، ۱۳۸۷) به بررسی همگرایی اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی پرداختند. آنها تغییرات تجاری عضو احتمالی جنوب غرب آسیا و همچنین کشورهای عضو با سایر کشورهای جهان طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۵ را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که پتانسیل تجاری کشور ایران و یکپارچگی اقتصادی کشورهای عضو بلوک منطقه آسیای جنوب غربی در تجارت دوجانبه ۶۱ درصد است و بیان می‌کند که حجم جریانات تجاری دوجانبه میان آنها افزایش می‌یابد. (شکیبایی و سنایی، ۱۳۹۱: ۹۱ و ۹۲)

مبانی نظری

در رابطه با همکاری با سازمان شانگهای نیز آثاری به رشته تحریر درآمده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: محمدجواد حق شناس و سعید بشیری در پژوهشی با عنوان: ناتو و گرایش ایران به سازمان همکاری شانگهای به بررسی اهداف، برنامه‌ها و حوزه فعالیت ناتو می‌پردازند و براین باورند که گستره ناتو در منطقه، منجر به تمایل ایران به عضویت در این سازمان شده است. (حق شناس و بشیری، ۱۳۹۰) علی آدمی در پژوهشی با عنوان: پیوستن جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو ناظر به سازمان همکاری شانگهای و تاثیر آن بر امنیت و منافع ملی کشور، سیاست‌های یکجانبه‌گرای امریکا به عنوان یک چالش مشترک برای سازمان همکاری شانگهای و ایران مطرح می‌نماید و معتقد است که همین تهدید مشترک منجر به تمایل ایران به عضویت در این سازمان شده است. (آدمی، ۱۳۸۷) وحید بزرگی و میرعبدا.. حسینی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان سازمان همکاری شانگهای و جنبه‌های عضویت دائم ایران در آن، ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را از عوامل تاثیرگذار در گرایش ایران به این سازمان می‌دانند. (بزرگی و حسینی، ۱۳۹۰) با این وصف، اما بی‌شک مطابق با رهیافت سیاسی این

نوشتار، یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار راهبرد امنیتی امریکا بوده است که یکی از گزینه‌های مقابله با این تهدید، ائتلاف و اتحاد با دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی است که از سرشت تهدید آمیز چالش برانگیز مشترکی همسو با ایران مواجه‌اند. بر این اساس و با توجه به اصول و اهداف سازمان همکاری شانگهای، بنظر می‌رسد که ایران با عضویت کامل در این سازمان می‌تواند ضریب امنیتی خود را در مقابل تهدیدات امریکا افزایش دهد.

فریدمن که یکی از برجسته‌ترین طرفداران رهیافت اقتصادی است می‌گوید: جهانی شدن یعنی ادغام سرسختانه بازارها، دولت‌های ملی و فناوری‌ها به درجه‌ای که پیش از این هرگز مشاهده نشده و افراد و شرکت‌ها و دولت‌های ملی را قادر ساخته است تا دورتر، سریع‌تر، عمیق‌تر و ارزان‌تر از گذشته به اطراف جهان دست پیدا کنند. جهانی شدن یعنی گسترش سرمایه‌داری بازار آزاد به اغلب کشورهای جهان. (عمویی و رحیمی، ۲۰۱۷: ۱۳۹۰) به نقل از حمید احمدی، (۱۳۸۱) این مقاله در صدد پاسخ به این سوال می‌باشد که راهکارها و سیاست‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با پدیده جهانی شدن اقتصاد بر چه مبانی و اصولی استوار می‌باشد؟ فرض این مقاله بر این مبناست که به نظر می‌رسد که راهکارها، سیاست‌ها و راهبرد-های جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جهانی شدن در بعد اقتصادی بر مبنای آزادسازی اقتصادی، نقش فعال دولت در ایجاد مقررات برای توسعه، اتخاذ سیاست‌های همکاری در عرصه بین‌المللی و ... می‌باشد که در این مقاله بیشتر به بعد همکاری در عرصه بین‌المللی و از بین راه‌های مختلف و سازمان‌های گوناگونی همچون اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاری شانگهای و غیره بیشترین توجه را با عنایت به دلایل ذکر شده در ادامه به سازمان همکاری شانگهای پرداخته شده است. منطقه‌گرایی به عنوان همکاری متقابل تعدادی از کشورهای مختلف یک منطقه که در جهت اهداف معینی تشکل یافته‌اند و با توجه به اهداف مورد نظر اقتصادی، سیاسی، امنیتی (دفاعی) و یا ترکیبی از آنها برای منطقه تعریف می‌شود. منطقه‌گرایی نه تنها دلالت بر افزایش فعالیت‌ها بین کشورهای دارد که در یک منطقه قرار دارند، بلکه به معنی نوعی تشدید فعالیت‌های بین‌المللی در میان آنهاست که باعث می‌شود فعالیت‌های اقتصادی هرچه بیشتر در سطح منطقه و در یک محدوده جغرافیایی سازماندهی شوند. ایران در چارچوب برنامه‌های انرژی رسانی و تامین دسترسی کشورهای

محصور در خشکی به دریاهای آزاد می‌تواند جغرافیای اقتصادی منطقه را دگرگون کند. لذا عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند زمینه‌های برقراری هژمونی منطقه‌ای ایران در خاورمیانه را فراهم نماید. (حاجی یوسفی و الوند، ۱۳۸۷: ۱۶۶) در عرصه جغرافیایی پیمان شانگهای در هارتلند قرار دارد که پس از فروپاشی شوروی اگرچه گمان می‌رفت موقعیت خود را از دست داده است، اما اکنون هم برای روسیه و هم برای دیگر قدرت‌ها از جمله جریانهای افراطی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

روش پژوهش:

در این تحقیق با هدف کیفی و از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در تهیه مطالب از منابع کتابخانه‌ای بهره‌گرفته شده و بدنبال بررسی ضرورت همگرایی اقتصادی منطقه‌ای ایران و عضویت در شانگهای با عنایت به جهانی‌شدن اقتصاد می‌باشد. سوال اصلی تحقیق این است که آیا در دوران اقتصاد جهانی‌شده و تسلط قدرتهای بزرگ اقتصادی، منطقه‌گرایی اقتصادی یک راهکار ضروری است؟ بنابراین فرضیه تحقیق این است که با وجود قدرت‌های اقتصادی و اعمال فشارهای مختلف از راه‌های دیپلماتیک و غیردیپلماتیک، یکی از روش‌های حفظ قدرت سایر کشورها از جمله ایران، پیوستن به ترتیبات منطقه‌ای و منجمله مهم‌ترین این ترتیبات، سازمان همکاری شانگهای با توجه به وسعت، جمعیت، پیوستگی مرزی و سوابق تاریخی- فرهنگی ایران با کشورهای عضو و عدم پذیرش عضویت ایالات متحده امریکا در این سازمان می‌باشد.

جهانی شدن اقتصاد

سه نگاه متفاوت به پدیده جهانی شدن وجود دارد: ۱- نگاهی که جهانی شدن را به عنوان یک پروژه طراحی شده از سوی کشورهای قدرتمند و توسعه طلب غربی می‌داند و بر همین اساس تلاش می‌کند تا با مظاهر آن در هر سطحی مبارزه کند. (نگاه بدبینانه) ۲- نگاهی که جهانی شدن را نه به عنوان یک پروژه طراحی شده بلکه به عنوان یک پدیده طبیعی و یک فرآیند ناگزیر با توجه به گسترش روزافزون علم و صنعت در جهان می‌داند و عملاً تلاش می‌کند تا خود را با این رخداد طبیعی در ساختار جامعه انسانی وفق دهد. (نگاه خوشبینانه) ۳-

رویکرد سوم ترکیبی از دو نگاه فوق است، مبنا را بر طبیعی بودن جهانی شدن می‌گذارد ولی بر این باور است که کشورهای توسعه طلب همواره تلاش می‌کنند تا بر این موج ایجاد شده در دنیای علم و صنعت سوار شوند و به تحکیم و افزایش قدرت‌های مادی خود بپردازند. (وحیدیان، ۱۳۸۸: ۱۶) جیمز روزنا در مورد جهانی شدن می‌گوید: به علت تنوع و ابعاد گوناگون جهانی شدن و به این دلیل که مفهوم جهانی شدن میان سطوح گوناگون تحلیل مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی ارتباط برقرار می‌کند؛ هنوز زود است که از این پدیده تعریف کاملی ارائه شود. (کشیشیان و سیار، ۱۳۹۴: ۱۱۷) در بسیاری از نظریه‌ها و تعاریف جهانی شدن بر بعد اقتصادی جهانی شدن تاکید شده است و نظریه‌پردازان پرشماری وجه غالب جهانی شدن را اقتصادی می‌دانند. از دیدگاه آنان اگر چه فرایند جهانی شدن بسیار فراگیر است و بر همه حوزه‌های زندگی اجتماعی تاثیر می‌گذارد، اما آشکارترین و برجسته‌ترین نموده‌ها و مصداق این فرایند به حوزه اقتصاد اختصاص دارند. فرایند جهانی شدن اقتصاد با نوسان‌ها و فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. دهه‌های پایانی سده ۱۹ و سالهای آغازین سده ۲۰ زمان شکوفایی یکی از جنبه‌های اصلی جهانی شدن اقتصاد بود. (همان: ۱۱۹) جهانی شدن در عرصه اقتصاد «یعنی مرزها حذف می‌شود. مرزهای ملی، مرزهای محلی، محدودیت‌های سیاسی، فاصله مکانی، تفاوت اطلاعات، تفاوت پول و نظایر آنها بازارهای اقتصاد را از هم جدا می‌کند. جهانی شدن با کاهش یا حذف مرزهای اقتصادی در هر زمینه‌ای یک بازار جهانی ایجاد و رقابت‌ها و استانداردها را جهانی می‌کند. (رنانی، ۱۳۸۳: ۸)

جهانی شدن اقتصاد، فرایندی است که در آن سه اصل اساسی پذیرفته شده است: تحرک کالا، تحرک سرمایه و تحرک نیروی کار. دولت‌ها سعی می‌کنند که با آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی، پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی و اقداماتی از این دست، در جهت برخورداری از فرصتهایی که جهانی شدن اقتصاد برای رشد کشورها فراهم می‌کند، گام بردارند. (اکبری‌ان و پورجم، ۱۳۹۱: ۱۷۸) جهانی شدن اقتصاد دو بعد دارد. بعد اول، مفهوم گسترش جغرافیایی را در بردارد. بنابراین جهانی شدن اقتصاد به صورت فزاینده‌ای فضای جغرافیایی گسترده را اشغال می‌کند بعد دوم جهانی شدن اقتصاد، فرایندی که شدت و فشرده شدن وابستگی‌ها، پیوندها و تعاملات بین اقتصادی را در بر می‌گیرد. جهانی شدن اقتصاد بر ماهیت بی‌مرز

جریان‌های اقتصادی و برتبدیل شدن جهان به ویژه اقتصاد جهان به یک واحد همگرا شده تاکید می‌کند. (کشیشیان و سیار، ۱۳۹۴:۱۲۲) هرگونه انطباق و محاسبه منافع ملی بر اساس قواعد بین‌المللی و ایجاد توازن میان فشارهای داخلی و بین‌المللی از بزرگترین چالش‌های کشورهای در عصر جهانی شدن است. (عمویی و رحیمی، ۱۳۹۰:۲۱۶) موضوع جهانی شدن به یکی از موضوع‌های مهم در سطح نظام بین‌الملل تبدیل شده که در برگیرنده همه تغییرها و دگرگونی‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، ایدئولوژیک، تکنولوژیک و فرهنگی در عرصه بین‌الملل است. در همین حال، موازی با بحث جهانی شدن، منطقه‌گرایی که به دو نوع منطقه‌گرایی قدیم و جدید تقسیم شده است نیز به صورت فزاینده‌ای مورد توجه مناطق مختلف جهان قرار گرفته است. به قول باری بوزان، می‌توان عبارت نظم جهانی شده مبتنی بر مناطق قدرتمند یا جهان جهانی شده منطقه‌ای را بیان کرد. در واقع با روند روبه رشد گرایش کشورها به سوی جهانی شدن، مناطق مختلف جهان متأثر از جهانی شدن نیز دگرگون و متحول شده‌اند. (گودرزی، ۱۳۹۳:۳۳۹) شواهد نشان می‌دهد که در منطقه‌گرایی موج اول، منطقه‌گرایی با تاکید بر بعد اقتصادی و فنی به عنوان یک سازوکار دفاعی برای کاهش وابستگی به اقتصاد بین‌المللی برآورد می‌شد. اما بسیاری از پژوهشگران منطقه‌گرایی نوین، بر این باورند که در عمل منطقه‌گرایی بسیار چندجانبه‌تر و چندبعدی‌تر از گذشته است. دولت‌ها اینک وارد تلاش‌های منطقه‌گرایانه هم‌پوشان می‌شوند، بدون اینکه احساس کنند در چنین فرایندی ممکن است آنها در تقابل با یکدیگر بوده یا این تلاش‌ها در تناقض با یکدیگر باشند. جهانی شدن حرکتی پویا است که همه جنبه‌های اقتصادی را در برگرفته و یا در حال تاثیرگذاری بر آنها می‌باشد. مساله جهانی شدن به فرایندی اشاره دارد که طی آن مرزها به مرور ناپدید می‌شوند و همزمان مبادلات بین‌المللی افزایش می‌یابد. برای کشورهای در حال توسعه که آمادگی ورود به عرصه جهانی و تجارت آزاد را در کوتاه مدت ندارند، همگرایی اقتصادی و تشکیل بلوک‌های تجاری منطقه‌ای می‌تواند موثرترین راه برای باز شدن اقتصاد و ادغام آنها در اقتصاد جهانی باشد. در فرایند جهانی شدن و تشکیل گروه بندی‌های منطقه‌ای در سطح جهان، اقتصاد کشورها چه در طول طبیعی فرایند طبیعی و چه به صورت مدیریت شده به تدریج بسوی همگونی بیشتر و یافتن جایگاه خویش در ساختار تولیدی و تجاری در حال شکل‌گیری، حرکت می‌-

کنند. (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹: ۱۹) جهانی شدن ضمن بین‌المللی کردن بازار جهانی، محیطی کاملا رقابتی ایجاد کرده است که در آن تنها واحدهای اقتصادی قدرتمند و کارآمد بقا خواهند داشت. از این رو دولت‌های ملی به منطقه‌گرایی و تشکیل ترتیبات منطقه‌ای روی آورده‌اند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل مشکلات جهانی حفظ کنند و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه میسر سازند. (شکیبایی و بطا، ۱۳۸۸: ۲۴) این پدیده منجر به تخصصی شدن فعالیت و به تبع آن تقسیم‌کار بین‌المللی می‌شود. به عبارت دیگر تولید در کشورها بر پایه مزیت نسبی شکل خواهد گرفت و هر کشوری تولیدکننده کالایی خواهد بود که در آن مزیت نسبی و رقابت پذیری بالا داشته باشد. همچنین جهانی شدن منجر به حرکت آزاد سرمایه خواهد شد به طوری که در صورت وجود زمینه‌های مستعد برای تولید، سرمایه‌ها در پی بهره‌گیری از استعداد به آنجا خواهد رفت. انتقال تکنولوژی در ماورای مرزهای ملی، ایجاد فضای رقابتی، فعالیت گسترده شرکت‌های چندملیتی، سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در تحقیق و توسعه در کشورهای در حال توسعه، ضعیف شدن نقش دولت‌ها در دخالت مستقیم فعالیت‌های اقتصادی، محدود شدن اعمال سیاست‌های توسعه درون‌گر و خودکفایی و بالا رفتن دستمزد برای نیروی کارماهر را می‌توان از پیامدهای جهانی شدن اقتصاد در نظر گرفت. (عمویی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۲۱) به نظر می‌رسد، شاهد نوعی تعامل میان جهانی شدن و منطقه‌گرایی هستیم. بدین ترتیب که جهانی شدن از دو جهت موجب افزایش روند منطقه‌گرایی می‌شود. از یک سو، جهانی شدن موجب افزایش آسیب‌پذیری کشورها می‌شود و این امر، خود باعث رشد همگرایی‌ها و ائتلاف‌های منطقه‌ای می‌گردد زیرا کشورها خواسته‌های خود را در قالب سازمان‌های منطقه‌ای بیان می‌کنند. به بیان دیگر، با فرسایش حاکمیت ملی کشورها در عصر جهانی شدن، منطقه‌گرایی ضریب آسیب‌پذیری امنیتی هر یک از اعضاء را در برابر تهدیدات بیرونی از جمله تهدیدات قدرت‌های جهانی و فرامنطقه‌ای کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، جهانی شدن باعث افزایش نفوذ به داخل کشورها و موجب تضعیف دولت‌ها می‌شود به طوری که دولت‌ها ترجیح می‌دهند به منظور کاهش انزوای خود، در شکل‌های منطقه‌ای حضور یابند تا به اهداف خود در قالب مجموعه‌ای از کشورها دست یابند. بنابراین جهانی شدن به افزایش روند منطقه‌گرایی و سازمان‌های منطقه‌ای انجامیده است.

(بدیعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۰) ایجاد و گسترش و تقویت ترتیبات منطقه‌ای می‌تواند زمینه ساز ورود کشورهای منطقه به اقتصاد جهانی را فراهم نموده و آنها را در مقابل مشکلات جهانی شدن حفظ نماید. (آذربایجانی، ۱۳۸۱: ۱۶۶) کشور ایران نیز، بعنوان یک کشور در حال توسعه، در چند سال اخیر، در شرایطی که فرایندهای جهانی شدن به سرعت رو به گسترش هستند، با اتخاذ سیاست‌های برون‌گرا، تقویت بخش خصوصی، کاهش تدریجی یارانه‌ها، رفع موانع تجاری، جذب سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش تعرفه‌های گمرکی و تلاش برای عضویت در سازمان تجارت جهانی، گام‌هایی را در جهت کسب فرصت‌های جهانی شدن اقتصاد برداشته است. (اکبریان و پورجم، ۱۳۹۱: ۱۸۵) تلاش در جهت عضویت در سازمان تجارت (WTO) نیز یکی دیگر از اقدامات ایران برای بهره‌مندی از فرصت‌های جهانی شدن اقتصاد است. اولین درخواست ایران برای پیوستن به این سازمان در ۱۹ جولای ۱۹۹۶ ارسال شد. بررسی درخواست عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی ۹ سال طول کشید و در نهایت در پنج خرداد ۱۳۸۴ با اجماع کشورها مواجه و ایران بعنوان عضو ناظر پذیرفته شد. در خصوص رئیس گروه کاری الحاق ایران به سازمان با آنکه توافق بر سر رییس گروه کاری الحاق ایران صورت گرفته است، ولی آمریکا از قرارگرفتن تعیین رئیس گروه کاری الحاق در دستور جلسه شورای عمومی این سازمان جلوگیری می‌کند. البته ایران در آبان ۱۳۸۸ متن گزارش رژیم تجاری خود را به دبیرخانه سازمان تجارت جهانی ارسال کرد. (بهکیش، ۱۳۸۱: ۴۵) ماهیت خاص دوره جهانی شدن چنین است که حتی کمترین ظرفیت موجود برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، اثری مثبت بر تصویر بین‌المللی آن کشور دارد. (پیشگاهی فرد و مهکویی، ۱۳۹۱: ۲۴)

منطقه‌گرایی و ائتلاف در اقتصاد جهانی شده

بجای اتحاد با این و تقابل با آن، می‌توان همکاری و رقابت را توأمان داشت. خروج از ذهنیت سیاه و سفید و داشتن تحلیل واقع بینانه، علمی و غیراحساسی از تحولات عرصه بین-الملل، پیش شرط ورود به گروه‌بندی و ائتلاف می‌باشد. کشورها به تنهایی همه عوامل تولید را در اختیار ندارند، بنابراین کشورها با هدف دستیابی به آرمان‌هایی که بدون همکاری جمعی امکان پذیر نیست، تلاش می‌کنند تا با تشکیل سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای سبب رونق

اقتصادی خود و تکمیل چرخه تولید در یک منطقه جغرافیایی شوند. (امیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۵) حضور موفق یک کشور در یک بازار منطقه‌ای با سطح اقتصادی نزدیک به خود می‌تواند در حضور موفق آن کشور در بازار جهانی مؤثر باشد. سازمان‌های منطقه‌ای مختلفی چون اتحادیه اروپا در اروپا، آسه آن در آسیای شرقی، نفتا در آمریکای شمالی، و مرکوسور در آمریکای جنوبی از سازمان‌های منطقه‌ای موفق هستند که در رشد اقتصادی اعضای خود نقش بسیار مؤثری داشته‌اند. اصولاً زمانی که امنیت ملی دغدغه اصلی هر کشوری باشد، اهمیت سازمان‌های منطقه‌ای پررنگ‌تر می‌گردد. (عمویی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۳۵)

جهانی شدن اقتصاد و همگرایی‌های منطقه‌ای می‌تواند به همگرایی‌های اقتصادی انجامد و موجب تسریع در رشد کشورهایی گردد که از نظر شاخص‌های اقتصادی فاصله بیشتری با کشورهای پیشرو و توسعه یافته دارند. (آذربایجانی، ۱۳۸۱: ۱۵۶) براساس نظریات اقتصادی، یکپارچگی‌های اقتصادی‌ای که در قالب موافقتنامه‌های ترتیبات تجاری میان کشورهای همسایه یا شرکای طبیعی منعقد می‌شود، به علت فاصله جغرافیایی کوتاه‌تر و هزینه حمل و نقل کم‌تر، سودآورتر از تجارت با کشورهای غیرعضو است که هزینه حمل و نقل آنها از مبادی کشورهای دیگر و توسط ناوگان آن کشورها صورت می‌گیرد. (رازینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶) یکپارچگی اقتصادی - منطقه‌ای برای کشورهای کمتر توسعه یافته باعث بهره‌گیری از تکنولوژی برتر ناشی از انتقال تکنولوژی به این کشورها و مواجه شدن با بازارهای وسیع‌تر در مقابل بازارهای داخلی و کوچک می‌شود. (شکیبایی و سنایی، ۱۳۹۱: ۹۰) در بررسی تأثیر - پذیری اقتصاد یک کشور از موقعیت و جهت حرکت کشورهای دیگر بحث اثرات سرریز مطرح می‌شود. این اثرات به طرق مختلف از جمله مجاورت، تجارت، همکاری‌های منطقه‌ای و غیره ایجاد می‌گردند. به عبارت دیگر با بهبود وضعیت یک یا چند کشور در یک منطقه، تمام کشورهای منطقه از آن بهره‌مند می‌شوند و در واقع یک چرخه رشد مثبت در منطقه ایجاد خواهد شد. (اکبری و فرهمند، ۱۳۸۴: ۳-۴) حجم محدود قدرت جمهوری اسلامی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی بدون ائتلاف با دیگر واحدهای سیاسی توانایی جامع عمل پوشاندن به تمامی اهداف بلند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی سیاست خارجی ایران را ندارد. (کیانی، بی تا: ۵۱) در عصر جهانی شدن، توسعه اقتصادی تنها یک مقوله ملی نیست و

کشورها برای دستیابی به سطح مطلوبی از توسعه و رفاه ملی به ناچار باید زمینه برخورداری از امکانات و منابع بین‌المللی را فراهم آورند. به همین لحاظ است که اغلب همسایگان ایران، با در اختیار داشتن ظرفیت‌های بالقوه قابل توجه، مدتها است که در مسیر تشکیل پیوندهای سیاسی، اقتصادی و تجاری منطقه‌ای مانند شورای همکاری خلیج فارس و گروه هشت کشور در حال توسعه اسلامی گام نهاد اند. پس ایران، علاوه بر تلاش‌های خود در دو سطح ملی و جهانی باید با اتخاذ نوعی سیاست منطقه‌ای بکوشد تا با استفاده از امکانات منطقه‌ای، توسعه اقتصاد ملی خود را تسریع بخشد تا جایگاه برتری در معادلات جهانی به دست آورد. (عمویی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۳۴-۲۳۵)

پیوستن به روند مبادلات منطقه‌ای و جهانی که منجر به عملیاتی شدن عرصه وابستگی متقابل چندجانبه در روابط اقتصادی، انرژی، سیاسی و امنیتی کشور می‌شود، ضمن کاهش تهدیدها علیه کشور با افزایش نقش و تاثیرگذاری آن، دستیابی به امنیت ملی را تسهیل می‌سازد. (کیانی، بی تا: ۵۲) وجود مرزهای مشترک آبی و زمینی، مشترکات فرهنگی و مذهبی، منابع مشترک، دستیابی به بازار منطقه و موقعیت منحصر به فرد ترانزیتی ایران از جمله مواردی است که همکاری و همگرایی بیشتر منطقه‌ای را ایجاب می‌کند. (عزتی و یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۶۱) کارل دویچ، همگرایی و ادغام منطقه‌ای را در راستای تحقق بخشیدن به چهار وظیفه می‌داند: الف- حفظ صلح و امنیت ب- دستیابی به توانایی‌های چند منظوره بیشتر پ- تحقق بخشیدن به برخی وظایف خاص ت- دستیابی به هویت بخشی. تحقق و یا شکست وظایف مذکور، به شرایط بنیادین حاکم در درون و یا بین واحدهایی بستگی دارد که وارد فرایند همگرایی و ادغام خواهند شد. (اکبریان و پورجم، ۱۳۹۱: ۱۸۰) در گذشته کشورها برای ارتقا و کنترل روند تجاری و پولی خود با هم متحد می‌شدند ولی امروزه منطقه‌گرایی به بیان یک احساس و هویت مشترک و به ترکیب هدف‌ها به همراه به کارگیری موسسات نیز مربوط می‌شود. همکاری متقابل چند دولت واقع در یک حوزه جغرافیایی که هدف‌های مشترکی داشته باشند، مبین منطقه‌گرایی است. (گودرزی، ۱۳۹۳: ۳۷۷) تجربه کشورها بیانگر آن است که ترتیبات تجاری منطقه‌ای عامل بسیار مهمی برای تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌باشد. ارتباط مثبت بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی مبین این

است که کشورهای منطقه می‌توانند در یک پیمان منطقه‌ای با استفاده از استعدادها و توانمندی‌های اقتصادی خود و توجه به مزیت‌های نسبی موجود و قابل خلق در چارچوب تجارت منطقه‌ای به سمت تولید کالاهای خاص برای عرضه در بازارهای منطقه و جهانی گام بردارند. (آذربایجان، ۱۳۸۱:۱۶۵) منطقه‌گرایی خصلت پایدار دارد و در آن افق دراز مدتی برای همکاری کشورها در نظر گرفته می‌شود. منطقه‌گرایی غالباً جنبه تکاملی داشته و سطح و دامنه همکاری‌ها به تدریج تعمیق پیدا می‌کنند. (حسینی و هومن، ۱۳۸۶:۱۳) همگرایی فرایندی است که طی آن افراد و اعضای یک واحد اجتماعی یا سیاسی به طور داوطلبانه از اعمال اقتدار کامل خود صرف نظر می‌کنند تا در پرتو آن بتوانند به اهداف مشترکی برسند. (کیانی، بی‌تا: ۴۳) اتحاد و ائتلاف نوعی رابطه رسمی و یا غیررسمی مبتنی بر همکاری امنیتی میان دو یا چند دولت دارای حاکمیت است. همچنین اتحادها ابزاری هستند برای مقابله با تهدیدات خارجی که توزیع توانایی‌های نسبی را میان دولت‌ها در بردارند و در بسیاری موارد به صورت یک سازوکار تعادل بخش و موازنه دهنده عمل می‌کنند. (رستمی و صالحی، ۱۳۹۰: ۶۱) کشورها سعی می‌کنند از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازار جهانی دست پیدا کنند تا مسایل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نمایند. در اقتصادهای برنامه‌ریزی شده، اندازه منطقه به درجه رشد کارآیی کل اقتصاد آن بستگی دارد. (لطفعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۶) طی دو دهه اخیر نظام بین‌الملل شاهد آغاز دوران جدیدی، با عنوان جهانی شدن است. اگر چه واژه جهانی شدن از دهه ۱۹۹۰ رایج شد، اما باید دانست که جهانی شدن، یک وضع یا یک پدیده نوظهور نیست؛ بلکه، یک روند است که برای مدتی بسیار طولانی جریان داشته است. (کشیشیان و سپار، ۱۳۹۴: ۱۷۸) بنا بر نظر ایمانوئل والرشتاین که نظام جهانی را به مرکز، پیرامون و شبه پیرامون تقسیم‌بندی می‌نماید، کشورهای صنعتی اروپا یا حوزه یورو (انگلستان، فرانسه، آلمان) و آمریکا در مرکز که محل استقرار اقتصادهای توسعه یافته و پرتوان سرمایه‌داری است قرار دارند. لذا بخش بزرگی از ثروت جهان و حجم عظیمی از مواد خام و منابع طبیعی به آنجا سرازیر و مصرف می‌شود. پس بر مبنای توان فوق‌العاده مرکز، عملاً بخش عمده‌ای از جریان‌های بین‌المللی از مجاری گوناگون شورای امنیت، بانک جهانی،

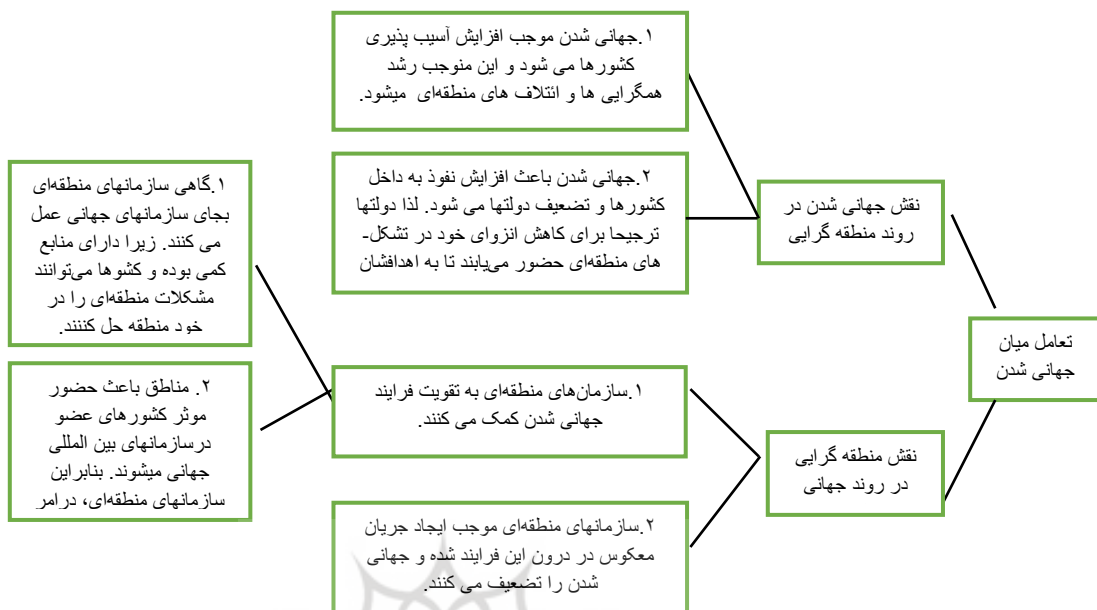
صندوق بین‌المللی پول، ناتو و شرکتهای چندملیتی مدیریت و بر سایر دولت‌ها و بازیگران عرصه بین‌الملل تاثیر می‌گذارند.

جهانی شدن، امروزه یکی از مهمترین مباحث حوزه علوم انسانی، خصوصا علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به شمار می‌رود. جهانی شدن بعنوان یک پدیده روبه رشد و فراگیر تمامی جنبه‌های مختلف زندگی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. رونالد رابرتسون جهانی شدن را به معنای درهم فشردن جهان و تبدیل شدن آن به مکان واحد، آنتونی گیدنز جهانی شدن را به هم بستگی که رخدادهای یک سوی جهان مستقیما بر وقایع سوی دیگر آن تاثیر می‌گذارد و مک‌گرو جهانی شدن را تشدید صرف پیوند متقابل جهانی شامل افزایش عبور کالا و اطلاعات مردم و سرمایه‌ها و نظام حمل و نقل و کوتاه شدن مبادله پیامها از طریق پیام‌رسانی الکترونیکی و نهایتا شولت که پنج تعریف کلی از جهانی شدن به این شرح ارائه می‌نماید:

- ۱- جهانی شدن به معنای بین‌المللی شدن: این تعریف رشد تبادل بین‌المللی و وابستگی بین کشورها را توصیف می‌کند و تعریفی جدید از روابط بین کشورها و جایگزینی اقتصاد بین‌المللی به جای اقتصاد ملی ارائه می‌دهد.
- ۲- جهانی شدن به معنای آزاد سازی: تعریف جهانی شدن در ارتباط با فرایند حذف موانع تجاری و کنترل سرمایه است که از طرف دولت بر تحرکات بین کشورها تحمیل می‌شود در این معنی، هدف ایجاد دنیای اقتصادی بدون مرز است.
- ۳- جهانی شدن به معنای همگانی شدن و یکی شدن: بر اساس این تعریف جهانی شدن فرآیند اشاعه کالاها و ایده‌ها و تجربیات به مردم سراسر دنیاست، که می‌توان به اشاعه کامپیوتر و ماهواره وسایل ارتباطی مثل تلفن همراه اشاره کرد.
- ۴- جهانی شدن به معنای غربی شدن یا مدرنیزه شدن: این تعریف جهانی شدن را به معنای نیروی پویایی می‌بیند، که در آن ساختارهای مدرنیته مانند کاپیتالیسم، صنعتی شدن و بروکراسی، بردنیا چیره شده و فرهنگ‌های محلی را نابود می‌کند.
- ۵- جهانی شدن به معنای قلمروزدایی یا توسعه ادغام قلمروها درهم و تبدیل آن به قلمرو واحد، در این تعریف جهانی شدن بر هم زدن و برداشتن فضاها، محدوده‌ها و

فاصله‌ها و مرزهای جغرافیایی است. (شهیدی، ۱۳۸۵) جهانی شدن و تشدید آن پس از جنگ سرد، نقش تعیین‌کننده و انکارناپذیری در تکوین و تقویت فرآیند منطقه‌گرایی نوین ایفا کرده است.

جهانی شدن و گسترش اقتصاد و بازار آزاد، وابستگی متقابل کشورها و مناطق مختلف جهان را به همراه داشته است. بطوری که هیچ کشوری قادر نیست به تنهایی اقتصاد ملی خود را مدیریت کند. اقتصاد ملی نیز بدون تعامل و هم‌پیوندی با اقتصاد جهانی نمی‌تواند موفق و کارآمد باشد. اقتصادهای ملی در چارچوب ساختار اقتصاد بین‌الملل به هم پیوند خورده و درهم تنیده‌اند. درچنین شرایطی، کشورها با هدف مقابله با جریان شتابان و کوبنده جهانی شدن و برای پیوستن به آن، از راهبرد منطقه‌گرایی سود می‌برند. از دید اقتصاد سیاسی بین‌المللی و طبق فرهنگ و مقررات سازمان تجارت جهانی، منطقه‌گرایی به اقدام‌هایی گفته می‌شود که از سوی کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای برای آزادسازی و تسهیل تجارت در آن منطقه در قالب موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای به یکی از اشکال ترتیب‌های تعرفه ترجیحی با هدف ایجاد منطقه آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و نیز اتحادیه اقتصادی انجام می‌گیرد. همچنین از نگاه اقتصاد سیاسی بین‌الملل، منطقه‌گرایی پاسخی سیاسی به بین‌المللی شدن اقتصاد و بدیل برای آن است. از این منظر، منطقه‌گرایی تلاشی برای هدایت بین‌المللی شدن اقتصاد بر طبق اهداف سیاسی است. (سلیمان پور و سلیمانی، ۱۳۷۵: ۷۲) لذا دیدگاه‌های متفاوتی درارتباط با جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی وجود دارد؛ یکی نقش جهانی‌شدن در روند مثبت منطقه‌گرایی را مورد توجه جدی دارد و دیگری منطقه‌گرایی را در مقابل جهانی‌شدن و گاه منطقه‌گرایی را موجب تقویت و رشد جهانی‌شدن می‌دانند.



نمودار شماره ۱: تعامل میان جهانی شدن و منطقه گرایی^۱

در بسیاری از گروه بندی های اقتصادی، اعضا از نظر جغرافیایی به یکدیگر نزدیک هستند، گو اینکه جغرافیای اقتصادی می تواند تغییر کند. با این حال، تغییر هزینه های نسبی شیوه های گوناگون حمل و نقل می تواند معادلات درباره اهمیت فاصله بین اعضای گروه بندی های منطقه ای را بهم بزند. کاهش هزینه متوسط حمل و نقل در مقایسه با هزینه های دیگر باعث کاهش هزینه گسترش یک گروه بندی می شود. نزدیکی جغرافیایی اعضا نه تنها می تواند باعث تسهیل و ارزان تر شدن مبادلات تجاری شود، بلکه ممکن است به دلیل وجود آمدن برخی ویژگی های اقتصادی مشترک از نظر منابع، آب و هوا و موارد دیگر بین این کشورها نیز باشد. (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹: ۱۰) منطقه گرایی به چند دلیل بر جهان گرایی مقدم است: ۱- اشتراک منافع، ارزشها، هنجارها و هماهنگی کشورها در سطح منطقه ای بیشتر از سطح جهانی است. ۲- دستیابی به هماهنگی، همکاری و همگرایی در سطح منطقه ای آسان تر از سطح بین المللی و جهانی است. ۳- همکاری و همگرایی منطقه ای، منافع کشورها را بهتر از جهان گرایی و جهانی شدن تامین می کند. ۴- کاهش جنگ و کشمکش و تامین صلح و ثبات در

^۱ - نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۳۲، بهار ۱۳۹۳، ۲۱۱.

سطح منطقه‌ای آسان‌تر صورت می‌گیرد و زمینه صلح و امنیت جهانی را فراهم می‌کند. ۵- حفظ موازنه در درون مناطق جغرافیایی عملی‌تر از سطح بین‌المللی است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۱) عنصر کلیدی در تعریف منطقه‌گرایی مفهوم منطقه است. از منطقه به عنوان گروهی از کشورها که در یک چارچوب حقوقی و به صورت نامحدود در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه‌های اقتصادی با یکدیگر همکاری نموده و به تدریج همکاری‌های خود را توسعه می‌دهند یاد شده است. بر اساس این تعریف، همکاری‌هایی که کشورها به صورت محدود و به طور موقت با یکدیگر انجام می‌دهند از دامنه شمول مفهوم منطقه‌گرایی خارج است. بر این اساس منطقه‌گرایی خصلت پایدار داشته و در آن افق دراز مدتی برای همکاری کشورها در نظر گرفته می‌شود. منطقه‌گرایی اغلب جنبه تکاملی داشته و سطح و دامنه همکاری‌ها به تدریج عمق پیدا می‌کنند. (امیراحمدیان و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۰۳) اصطلاح مجموعه امنیتی منطقه‌ای، نخستین بار بطور مشخص در دهه ۱۹۶۰ در آثار افرادی چون ویلیام تامس و گراید بکار رفت. این افراد ضمن بکار بردن این اصطلاح کوشیدند تعریفی از آن ارائه دهند. در تعریف آنها، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، عبارت از مجموعه‌ای متشکل از دولت‌هایی است که حفظ امنیت هر یک در گرو حفظ امنیت دیگری و تهدید امنیت یک عضو به منزله تهدید امنیت سایر اعضا تلقی می‌شود. اما این اصطلاح به طور مبسوط و بارز در نوشته‌های باری بوزان گنجانده شد و به عنوان یک مفهوم کلی در ادبیات روابط بین‌الملل وارد شد. بوزان با ارائه تعریف جامع، مجموعه امنیتی منطقه‌ای را چنین تعریف می‌کند: تعدادی از کشورها که در یک حوزه جغرافیایی مشخص و مرتبط، پیرامون هم قرار دارند و حفظ امنیت یکی به منزله حفظ امنیت سایرین بوده و تهدید امنیت یک عضو به مثابه تهدید امنیت سایر اعضا تلقی می‌شود. (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۸) کاستلز وجه مشخصه اقتصاد جهانی را که از دل تولید مبتنی بر اطلاعات و رقابت پدیدار می‌شود، وابستگی متقابل، عدم تقارن، منطقه‌ای شدن، تنوع فزاینده درون هر منطقه، شمول‌گزینی، تقسیم بندی و در نتیجه همه این خصوصیات، هندسه فوق‌العاده متغیر آن می‌داند که جغرافیای تاریخی، اقتصادی را از بین می‌برد. (عمویی و رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۲۰) یکپارچگی در قالب بلوک‌ها می‌تواند آثار مثبت زیادی بر جریان‌های جاری دوجانبه، رشد اقتصادی و رفاه جامعه داشته باشد و توان رقابتی کشورهای عضو را درمقایس

کوچک‌تر برای رقابت جهانی مورد آزمایش قرار دهد. همچنین باعث می‌شود مزیت‌های نسبی کشورهای عضو در سطح تجارت بین‌المللی مطرح گردد. (لطفعلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۵) اتحادیه اروپا یک مجموعه چند بعدی سیاسی-امنیتی و اقتصادی-تجاری حرفه-ای و مجرب است و توانسته سیاست‌های همگرایی و وحدت آفرین موفقیت‌آمیزی را اجرا نماید و بلوک سیاسی، اقتصادی، تجاری، مالی، علمی و صنعتی عظیم با قابلیت رایزنی در مجامع اثرگذار جهانی شکل دهد. (برزگر و آدمی، ۱۳۸۹: ۴) اما ضعف عمده اروپا وابستگی شدید امنیتی به امریکا است و عدم قابلیت کافی برای انتقال نیرو به مناطق بحرانی جهان و عدم برخورداری از نظام جهانی اطلاعاتی، قضایی و شبکه گسترده پایگاه نظامی است. یکپارچگی اقتصادی مراحل مختلفی دارد، به طوری که هر مرحله نسبت به مراحل قبلی تکامل یافته‌تر بوده و طی آن موانع بیش‌تری نسبت به مرحله قبل برای افزایش تجارت بین دو یا چند کشور از میان برداشته می‌شود. مراحل همکاری‌های اقتصادی را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. موافقنامه تجارت ترجیحی: موافقت نامه تجارت ترجیحی، ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل یکپارچگی است. براساس شرایط و ضوابط مطرح شده در موافقت نامه، کشورهای عضو از موانع تعرفه‌ای میان خود می‌کاهند؛ در حالی که هیچ کدام تغییری در سیاست تجاری خود با کشورهای دیگر ایجاد نمی‌کنند.

۲. منطقه آزاد تجاری: در این ترتیبات، اعضا تعرفه‌ها را بین خود حذف می‌کنند. ممکن است عملاً حذف تعرفه‌ها برای تمام گروه‌های کالایی محقق نشود.

۳. اتحادیه گمرکی: در این مرحله هر نوع تعرفه یا مانع غیر تعرفه‌ای تجارت میان اعضا، همانند منطقه آزاد تجاری، حذف می‌شود؛ ولی تفاوت آن با منطقه آزاد تجاری این است که تمام کشورهای عضو اتحادیه گمرکی، سیاست‌های تجاری یکسانی را نسبت به کشورهای دیگر به کار می‌برند که نمونه‌ای از آن اعمال نرخ‌های تعرفه مشترک در برابر کشورهای دیگر است.

۴. بازار مشترک: در بازار مشترک، ضمن برقراری ویژگی‌های یک اتحادیه گمرکی، امکان تحرک عوامل تولید (نظیر نیروی کار، سرمایه و...) بین اعضا وجود دارد.

۵. اتحادیه کامل اقتصادی: این مرحله در واقع تکامل یافته‌ترین نوع یکپارچگی است. اعضای یک اتحادیه کامل اقتصادی، تجارت آزاد کالاها و خدمات را میان خود برقرار کرده و تعرفه-

های خارجی مشترکی برای کشورهای غیرعضو وضع می‌شود؛ به این ترتیب، حرکت آزادانه عوامل تولید امکان‌پذیر است. همچنین، در این مرحله کشورهای عضو به رویه هماهنگی و یا به رویه وحدت روی می‌آورند. در رویه هماهنگی کشورهای عضو می‌کوشند سیاست‌های هماهنگی را اتخاذ کنند، در حالی که در رویه وحدت، کشورهای مزبور در واقع تبدیل به یک سیستم اقتصادی شده و تصمیم‌گیری را به یک نهاد فراملی واگذار می‌کنند که نماینده تمام کشورهای عضو است. (رازینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۶) سازمان همکاری شانگهای برخلاف اکثریت سازمان‌های منطقه‌ای یا بین‌المللی که با اهدافی تعیین شده اقدام به تاسیس و برقراری نهادها و ایجاد دستورالعمل‌های کاری می‌نمایند، شانگهای دیدگاهی تدریجی‌گرا در این زمینه اتخاذ نمود که سبب شد اعضا، همکاری خود را از حل و فصل مسائل مرزی آغاز کنند به طور تدریجی و با مرور زمان، با کسب اعتماد و اطمینان نسبت به یکدیگر، به سایر مسائل و موضوعات مشترک، توسعه دهند. (LEN, 2004, 52)

سازمان همکاری شانگهای اولین سازمان بین‌المللی و امنیت جمعی است که مقر آن در چین است. از دیدگاه تفکر راهبردی سیاست خارجی چین، سازمان همکاری شانگهای می‌تواند منجر به گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی چین به منطقه آسیای مرکزی شده و عمق استراتژیک چین را در هنگام مقابله با ناآرامی‌های محتمل آتی در شرق استان سین-کیانگ، گسترش دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷۶) سازمان همکاری شانگهای متشکل از سه دسته کشورها می‌باشد: ۱- اعضای اصلی ۲- اعضای ناظر، شامل: مغولستان (۲۰۰۴)، ایران (۲۰۰۵)، بلاروس (۲۰۱۰)، افغانستان (۲۰۱۲)، ۳- اعضای مورد گفتگو شامل سریلانکا (۲۰۰۹)، ترکیه (۲۰۱۲)، نپال (۲۰۱۵)، کامبوج (۲۰۱۵)، آذربایجان (۲۰۱۵)، ارمنستان (۲۰۱۵). (Marcel de Haas, 2016. 378-406) چین و روسیه تلاش کرده‌اند تا با تقویت سازوکارهای منطقه‌ای با موازات ایجاد انسجام داخلی به تضعیف ایده نظم تک قطبی مورد نظر آمریکا بپردازند. در واقع از ابتدای مطرح شدن این ایده، این دو کشور هرگز پنهان نکرده‌اند که از هر وسیله‌ای برای تضعیف آن استفاده خواهند کرد. همکاری گسترده دو رهبر در سازمان همکاری شانگهای و پذیرش قدرت‌های منطقه‌ای ایران، هند و پاکستان به عنوان ناظر و در پی آن، مطرح شدن درخواست برای خروج آمریکا از آسیای مرکزی از سوی اعضای سازمان، نشان دهنده تلاش

کشورهای بلوک شرق تازه برای حفظ محورهای ژئواکونومیک - ژئواستراتژیک اوراسیا است. (آقایی و راهدار، ۱۳۹۴: ۲۰۱) سرپرآوردن سازمان‌هایی همانند شانگهای از سوی استراتژیست‌های سیاست خارجی امریکا در راستای تهدیدی جهت برتری هژمونیک امریکا در عرصه جهانی ارزیابی شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸۲) از آنجا که سازمان همکاری شانگهای از قدرت‌های درجه دوم تشکیل شده است و این قدرتها اقدام‌هایی را برای تغییر یا اصلاح موازنه قوای جهان کنونی شروع کرده‌اند، بسیار جالب توجه است. زیرا تاکنون هیچ ائتلاف توازن دهنده‌ای برای تغییر موازنه حاکم شکل نگرفته است. این سازمان می‌تواند گامی در جهت یک اتحاد علیه ایالات متحده باشد. (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲۶) از منظر ژئواستراتژیک، قدرت نظامی و توان اقتصادی کشورهای عضو این سازمان به عاملی تعیین کننده در تحولات منطقه‌ای تبدیل شده است که آشکارا در تقابل با جهان تک قطبی مدنظر امریکا قرار خواهد داشت و پایان یک جانبه‌گرایی امریکا را نوید خواهد داد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۹۳) ایجاد یکپارچگی اقتصادی همانند سازمان همکاری شانگهای، می‌تواند کشورهای عضو را در مقیاس کوچک‌تر از جهانی شدن، برای مواجهه با این پدیده آماده کند. عضویت کشورها در سازمان همکاری شانگهای موجب یکپارچگی اقتصادی آنها و تأثیرگذاری‌شان در عرصه اقتصاد جهانی شده است به گونه‌ای که می‌توانند معادلات و پارامترهای اقتصادی ملی و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار دهند. حضور در سازمان همکاری شانگهای که بیش‌تر اعضایش کشورهای در حال توسعه هستند، می‌تواند اقتصاد این کشورها را برای رویارویی با پدیده جهانی شدن اقتصاد آماده کرده و علاوه بر تقویت مزیت رقابتی به افزایش سرمایه‌گذاری درون منطقه نیز منجر شود و با افزایش حجم مبادلات تجاری، رقابت اقتصادی را افزایش داده و مقدمات رشد و توسعه اقتصادی فراهم شود. (رازینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۳) پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای منادی حرکت فکری و روانی ایران به سمت شرق بوده و تحولات ساختاری مهم در اقتصاد جهانی سالهای گذشته و نیاز ایران به سازگاری خود با این تحولات، این امر را تصدیق می‌کند. (واتسون، ۱۳۸۵: ۱۶۲)

شانگ‌های، قابلیت‌ها و پتانسیل‌ها

این سازمان اولین بازیگر منطقه‌ای در جهان با بیش از ۲۸ درصد سطح خشکی‌های کره زمین، برخوردار از بیشترین ذخایر نفت و گاز جهان، نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت، پتانسیل

های اقتصادی گسترده است. روابط تاریخی- فرهنگی کشورهای عضو، احساس تهدیدهای مشترک، برخورداری از فناوری و سلاح هسته‌ای، وجود دو کشور دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل متحد چین و روسیه و دیگر موارد نشان می‌دهد که این سازمان قابلیت تبدیل شدن به یک قطب بین‌المللی نه تنها از نظر سیاسی- امنیتی بلکه از نظر اقتصادی وجود دارد. نگاهی به کشورهای عضو این پیمان، نشان می‌دهد که آنها قابلیت آن را دارند تا در دهه های آینده یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های بین‌المللی اقتصاد، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، انرژی و نظامی را در جهان شکل دهند. (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹: ۲۳)

جدول شماره ۱: موقعیت و دغدغه‌های بازیگران عمده و ذی نفع سازمان همکاری شانگهای

نام کشور/ موضوع	موقعیت جهانی	عمده نیازهای داخلی	دغدغه‌های اقتصادی	دغدغه‌های امنیتی	دغدغه‌های سیاسی
چین	قدرت بزرگ	توسعه، انرژی و دستیابی به بازارهای جدید بین‌المللی	انرژی، تجارت و بازارهای جدید	مسائل مرزی، بنیادگرایی اسلامی و اعتمادسازی در همسایگان	تحکیم موقعیت منطقه- ای چین
روسیه	قدرت بزرگ	بازسازی اقتصادی	بازسازی اقتصادی، ادغام در اقتصاد دنیا و نقش آفرینی در ژئوپلیتیک انرژی	کنترل منازعات قومی و مذهبی در آسیای مرکزی، تام نفوذ در جوزه‌های پیرامونی	تحقق جهان‌گرایی چند مرکزی و مقابله با ناتو در جهت ثبات استراتژیکی
امریکا	ابر قدرت	امنیت، رشد اقتصادی و انرژی	رشد متداوم اقتصاد، حفظ رهبری تکنولوژیک در دنیا	تغییر موازنه قدرت جهانی در سرزمین قلب، تروریسم	تداوم رهبری جهانی، حضور در مناطق استراتژیک
هند	قدرت بزرگ	توسعه، انرژی و بازارهای جدید	توسعه، نیاز به انرژی و بازارهای جدید	پاکستان، تروریسم و بنیادگرایی اسلامی	رقابت سیاسی با پاکستان و حضور در سازمان‌های بین‌المللی
پاکستان	کشور معمولی	امنیت، مشروعیت و انرژی	توسعه اقتصادی و انرژی	غلبه بر فقدان عمق استراتژیک، تروریسم و بنیادگرایی اسلامی	رقابت سیاسی با هند حفظ یکپارچگی پاکستان
ایران	قدرت بالقوه منطقه‌ای	توسعه متوازن	توسعه اقتصادی، ادغام در اقتصاد جهان، تبدیل به مرکز تولید و ترانزیت انرژی در منطقه	حضور آمریکا و ناتو در مجاورت مرزها، عدم عضویت در همگرایی- های امنیتی منطقه	تبدیل شدن به قدرت اول منطقه

این سازمان یک چهارم جمعیت جهان، ۲۳ درصد نفت، ۵۵ درصد گاز طبیعی و ۳۵ درصد ذغال سنگ جهان را در اختیار خود دارد. این پتانسیل با الحاق کشورهای ناظر به ویژه ایران برجستگی و ظرفیت بیشتری نیز پیدا می‌کند. (کوزه گر، ۱۳۸۸: ۸۲) همکاری اقتصادی در سازمان همکاری شانگهای در دو زمینه تجارت و انرژی است. چارچوب توافق نامه همکاری اقتصادی کشورهای عضو پیمان نخستین بار در نشست ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۳ تهیه شد و به امضا رسید. در این نشست رئیس دولت چین پیشنهاد کرد که برنامه بلند مدتی برای تشکیل منطقه آزاد تجاری در سازمان تهیه شود. در ضمن وی در این پیشنهاد، چندین راهکار کوتاه مدت برای افزایش سطح بازرگانی در میان کشورهای عضو ارائه کرد. یک سال پس از این، در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۴، سندی شامل بر یکصد برنامه مشخص برای افزایش سطح بازرگانی میان کشورهای عضو به امضا رسید. در نشست ۲۵ اکتبر ۲۰۰۵ در مسکو، دبیرکل سازمان اعلام کرد که طرح‌های مشترک سازمان در زمینه انرژی اولویت بالایی دارند. این طرح‌ها شامل کشف، استخراج و بهره‌برداری از حوزه‌های نفت و گاز و استفاده مشترک اعضا از منابع آب شیرین است. در چارچوب همکاری‌های اقتصادی، همکاری‌های بانکی میان اعضا نیز پیش بینی شد، تا جایی که تشکیل شورای مشترک بانکی بین کشورهای عضو سازمان به دستاورد بزرگ این نهاد تبدیل شد. هدف از تشکیل این شورای مشترک بانکی، تسهیل در فراهم کردن سرمایه مورد نیاز برای اجرای طرح‌های مشترک سازمان عنوان شده است. در پی این توافق، نخستین گردهمایی شورای مشترک بانکی سازمان همکاری شانگهای در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۶ در پکن برگزار شد. (گودرزی ۱۳۹۳: ۳۴۶-۳۴۵)

سازمان شانگهای ساختاری است که کشورهای عضو می‌خواهند با رویکردی منطقه‌ای، برای تامین امنیت و توسعه، به طرح‌های حمایتی غرب وابسته نباشند. (کولایی و مرادی، ۱۳۸۹: ۲۳۰) این سازمان در ابتدا با نام شانگهای ۵ با هدف اولیه غیرنظامی کردن مرز میان کشورهای روسیه، چین، تاجیکستان، قزاقستان و قرقیزستان با امضای یک پیمان امنیتی در سال ۱۹۹۶ پای به عرصه تحولات منطقه‌ای و جهانی نهاد. اسناد سازمان شانگهای به شکل گیری گروه-بندی اقتصادی اشاره دارد. بر اساس بیانیه تشکیل آن، سازمان همکاری شانگهای برای همکاری

متقابل در زمینه اقتصادی و تجاری در میان دولت‌های عضو ظرفیت مهمی را فراهم می‌سازد. (بند ۲ بیانیه تاسیس سازمان همکاری شانگهای). (انوری و رحمانی موحد، بی‌تا، ۱۴۶)

در سازمان همکاری شانگهای، دو قدرت اقتصادی آسیا (چین و هند) در حال قدرت‌گیری و تبدیل‌شدن به قدرتهای تأثیرگذار در منطقه و جهان هستند که هر دو فاقد منابع انرژی‌اند و ناگزیرند بخش بزرگی از انرژی مصرفی برای اقتصاد در حال رشد خود را از خارج وارد کنند. در این پیمان دو غول عمده تولیدکننده نفت (ایران و روسیه) وجود دارند که از ذخایر غنی‌گاز نیز برخوردارند. بنابراین پیمان مذکور از سه عامل انرژی، تولیدات (صنعتی و کشاورزی) و مصرف (جمعیت قابل توجه) برخوردارند. جمعیت منطقه بازار بزرگی برای تولیدات صنعتی و کشاورزی کشورهای عضو است. نقش‌آفرینی در زمینه انرژی بعنوان شرط لازمی برای قدرت بزرگ بودن، فرصت‌های نوینی را در نظام اقتصاد سیاسی جهانی به ویژه به واسطه نقشی که در فضا سازی و مهیا ساختن محیط بین‌المللی دارد، برای کشور خلق می‌کند. (کیانی، بی‌تا: ۵۰)

قرارگرفتن کشورهای عضو شانگهای در منطقه موسوم به «هارتلند» (قلب زمین) بر اهمیت این سازمان افزوده و از سوی دیگر حضور روسیه و چین به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت نیز، توان سیاسی این سازمان را دو چندان کرده است. بنابراین، کشور ایران و سایر کشورهای عضو سازمان شانگهای می‌توانند در قالب یکپارچگی اقتصادی، تجارت خارجی میان خود را افزایش داده و با توسعه و گسترش صادرات و واردات، حجم بالایی از مبادلات دوجانبه را به نمایش بگذارند. (رازینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۵)

اعضای سازمان همکاری شانگهای پس از تاسیس باشگاه انرژی سازمان در سال ۲۰۱۴ تلاش می‌کنند تا نوعی حدرویه و در همان حال ارتباط درونی بین کشورهای مصرف‌کننده (مانند چین و هند) و تولیدکننده (مانند روسیه، ایران و ترکمنستان) ایجاد کنند و آنها را از ارتباط با کشورهای فرامنطقه‌ای در این حوزه دور کنند و ابتکار انرژی منطقه را به دست بگیرند. (آقایی و راهدار، ۱۳۹۴: ۲۰۲)

در این گروه‌بندی منطقه‌ای، اعضا از نظر جغرافیایی بهم نزدیک هستند و هزینه‌های نسبی شیوه‌های گوناگون حمل و نقل (زمینی، آبی، هوایی) به مراتب پایین‌تر از کشورهای دیگرست. کاهش هزینه حمل و نقل در مقایسه با هزینه‌های دیگر باعث کاهش هزینه گسترش این گروه‌بندی منطقه‌ای می‌شود و از این منظر اعضای سازمان به

علت نزدیکی جغرافیایی از یک برتری طبیعی برخوردارند. به این ترتیب در حقیقت اعضای آن از نظر جغرافیایی نزدیک به هم و در واقع جزء شرکای تجاری طبیعی یکدیگرند. (بزرگی و حسینی، ۱۳۸۹: ۱۱)

در بیانیه پایانی پنجمین نشست سران سازمان شانگهای در آستانه قزاقستان (۲۰۰۵) آمده که طرفین براساس اصول مورد توافق، ایجاد صندوق توسعه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای را تسریع خواهند بخشید، همزمان طرفین توافق می‌نمایند همکاری‌های بانکی را به منظور حمایت مالی از انجام پروژه‌های منطقه‌ای تحکیم بخشند. (انوری و رحمانی موحد، بی- تا: ۱۳۰) ماده ۳ منشور حوزه‌های همکاری سازمان را چنین بیان می‌کند:

- حمایت از صلح و پیشبرد امنیت و اطمینان در منطقه؛ - جستجوی مواضع مشترک در حوزه منافع متقابل در موارد سیاست خارجی از جمله مواردی که در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی بروز می‌کند؛ - گسترش و بکارگیری معیارهایی در جهت اقدام مشترک علیه تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی، انتقال مواد مخدر و سلاح ممنوعه و سایر انواع فعالیت‌های مجرمانه واجد ویژگی فراملی و همچنین مهاجرت غیرقانونی؛ - حمایت و بهبود همکاری اقتصادی منطقه‌ای در شکل‌های گوناگون، مهیا ساختن محیطی مناسب برای تجارت و سرمایه‌گذاری با نظرداشت فراهم ساختن تدریجی زمینه جریان آزادکالا، سرمایه، خدمات و فناوری؛ - کاربرد مؤثر زیرساخت‌های قابل دسترس در حمل و نقل و ارتباطات، بهبود ظرفیت‌های حمل و نقلی دولتهای عضو و توسعه بخش‌های انرژی؛ - مدیریت سلامت محیط زیست، شامل مدیریت منابع آبی منطقه و بکارگیری برنامه‌ها و طرح‌های زیست محیطی مشترک ویژه؛ - کمک متقابل در پیشگیری از فجایع طبیعی و انسانی و رفع تبعات آن. (انوری و رحمانی موحد، بی- تا: ۱۴۴)

به اعتقاد استراتژیست‌های چینی، موتور محرک پیشبرد برنامه‌های توسعه ملی و نظامی این کشور توانمندی‌های اقتصادی است. به عبارتی اقتصاد مهمترین ابزار در مسیر تبدیل شدن پکن به قدرت برتر منطقه‌ای و در وهله بعد قدرت جهانی است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷۵)

لذا چین برای استفاده از راه‌های جدید برای تامین انرژی و دسترسی به بازارهای جدید برای کالاهای چینی تلاش می‌کند. این کشور سالهاست که نگران تک مسیر بودن ورود نفت خام

وگاز مایع از طریق اقیانوس هند است که در تنگه مالاکا نظارت و دخالت احتمالی نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه را به همراه دارد. استفاده از خطوط لوله جدید از روسیه و قزاقستان به چین و درمورای کوه‌های هیمالایا و تیان‌شان که دور از دسترس نیروها و نظارت آمریکاست، امنیت انرژی چین را بهتر می‌سازد. چینی‌ها امیدوارند که خط لوله‌ای نیز از ایران و یا دریای-خزر از طریق خشکی به بخش‌های غربی چین برسد. (عزتی و یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۶۳) سیاست چین تا پیش از عضویت دائم هند و پاکستان، مخالفت غیررسمی با پذیرش اعضای جدید بود. زیرا پکن بر این باور بود که سازمان شانگهای سازمانی نسبتاً جوان است و پذیرش عضویت یک کشور بزرگ در این سازمان نوعی «غارت سازمانی» ایجاد می‌کند و مکانیسم تصمیم‌سازی در سازمان را نیز پیچیده‌تر خواهد کرد. این دلیل مخالفت چین مربوط به قبل از عضویت هند در سازمان بود، زیرا چین بر این باور بود که عضویت هند می‌تواند نفوذ آن را در سازمان و در میان اعضای آسیای مرکزی افزایش دهد. (Lukin, 2015: 2) عضویت دائم هند و پاکستان که در نشست اوجا در جولای ۲۰۱۵ رخ داد، به منزله انعطاف چین در پذیرش اعضای جدید به خصوص جمهوری اسلامی ایران و تعدیل سیاست گذشته است. در عین حال، با وجود اینکه حجم تجاری روابط چین و آمریکا قابل توجه است اما روابط چین و آمریکا به دلیل ادامه سیاست محاصره چین توسط آمریکا، روابط عمیقی نیست که این موضوع نیز می‌تواند پذیرش عضویت دائم ایران توسط چین در سازمان شانگهای را تسهیل کند. اهداف استراتژیک چین در آسیای مرکزی از سه بعد قابل بررسی است: نخست، اینکه چین به عنوان یک وزنه برابر با ایالات متحده در آسیای مرکزی است. دوم، دسترسی به منابع انرژی و معادن استراتژیک دیگر در آسیای مرکزی است. سوم، وضعیت سیاسی شکننده در استان سین‌کیانگ است. چین به رفع موانع برای تحکیم روابط اقتصادی با کشورهای هم‌مرز غربی‌اش اهمیت می‌دهد. (کولایی و مرادی، ۱۳۸۹: ۲۲۸) روابط نزدیک‌تر با کشورهای آسیای مرکزی از طریق گروه شانگهای، مداخله نکردن آنها را در سین‌کیانگ که وابستگی‌های قومی و مذهبی با آنها دارد را تضمین می‌کند. (sutter, 2000: 42) توسعه فعالیت سازمان به حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز با تاکید بر مبارزه ریشه‌ای با این تهدیدات عنوان شده است. درک این موضوع از جانب کشورهای چین و روسیه باعث شد که در قالب سازمان شانگهای فعالیت خود را بر اساس تامین امنیت

از طریق سازمان همکاری اقتصادی پیش برده و برای ریشه‌کن نمودن فقر و بی عدالتی اجتماعی از طریق سازمان همکاری شانگهای عمل نماید. (شهریاری، ۱۳۸۸: ۸۰)

جدول شماره ۲: اهمیت سازمان از منظر بازیگران عمده و ذی نفع با توجه به دغدغه‌های راهبردی آنها

نام کشور/ وضعیت	اهمیت ژئوپلیتیک	اهمیت ژئواکونومیکی	اهمیت در رابطه با آمریکا	اهمیت امنیتی	اهمیت در مبارزه با تروریسم	اهمیت در مبارزه با بنیادگرایی و خشونت	اهمیت در همکاری منطقه‌ای
چین (قدرت اتمی)	ثبات ساز در منطقه	موثر در تعاملات اقتصادی منطقه ای و جهانی	توازن بخش	تمرکز در اقدامات	مهم	موثر	به شدت قابل توجه
روسیه (قدرت اتمی)	در جهت ثبات استراتژیک	موثر برای رشد اقتصادی	در راستای توازن استراتژیکی اوراسیا	تمرکز در اقدامات	مهم	موثر	به شدت قابل توجه
امریکا (قدرت اتمی)	تهدیدی برای توازن قوا در هارتلند جهانی	موثر در افزایش قدرت اقتصادی رقبای آمریکا	--	ایجاد واگرایی بیشتر امنیتی با آمریکا	نسبتا قابل توجه	نسبتا موثر	افزایش قدرت منطقه‌ای رقبای آمریکا
هند (قدرت اتمی)	در جهت اهداف منطقه‌ای	موثر برای رشد اقتصادی در آسیا	در جهت منافع هند	عرصه ای برای رقابت با پاکستان	قابل توجه	موثر	قابل توجه
پاکستان (قدرت اتمی)	عرصه ای برای پوشاندن ضعف ژئوپلیتیک	موثر در ایجاد فرصت اقتصادی	در جهت منافع پاکستان	عرصه ای برای رقابت با هند	قابل توجه	موثر	قابل توجه
ایران (قدرت بالقوه منطقه ای)	توازن بخش	موثر در جهت منافع اقتصادی منطقه ای	موازنه ساز	در جهت منافع امنیتی	قابل توجه	موثر	مهم در ارتقای سطح همکاری های منطقه ای

فصلنامه راهبرد، سیدعلی طباطبایی، سال بیستم، شماره ۶۰، پاییز ۱۳۹۰، ۱۸۸

بر اساس دیدگاه روسیه مهمترین تهدید نسبت به امنیت ملی این کشور، افراط‌گرایی مذهبی و فعالیت‌های جدایی طلبانه می باشد. به ویژه مجموعه فعالیت‌هایی که در آسیای مرکزی و قفقاز توسط گروه‌های جدایی طلب و تندرو مذهبی دنبال می‌شود برای مثال می‌توان به چچن اشاره کرد. علاوه بر آن تهدیدات ناشی از قاچاق اسلحه و قاچاق مواد مخدر نیز از جمله تهدیدات نسبت به امنیت روسیه می‌باشند. از آن جهت که روسیه به تنهایی نمی‌تواند همه تهدیدات فوق را حل و فصل کند، سازمان همکاری شانگهای فرصت مناسبی برای مبارزه با تروریسم افراط‌گرایی مذهبی و قاچاق سلاح و مواد مخدر می‌باشند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷۸)

پوتین اعلام کرد که شعار سازمان جدید امنیت از طریق شراکت است؛ من و همکارانم به دنبال حل مسائل امنیتی در این چارچوب هستیم ما امیدواریم با توسعه همکاری منطقه در حوزه فرهنگی، آموزشی، علمی و تعامل اقتصادی شرایطی ایجاد کنیم که مسائل امنیتی را تحت تاثیر قرار دهد. (شهریاری، ۱۳۸۸: ۸۰)

ایران نیز در راهبرد نگاه به شرق، رویکردی راهبردی به مناطق فراسوی مرزهای شرقی، جنوب‌شرقی و شمال‌شرقی دارد. تلاش برای تعمیق مناسبات همگرایی با بازیگران حاضر در این مناطق در راستای تامین منافع و ارتقاء ضریب امنیت ملی کشور چه از طریق تعامل دو جانبه و یا همکاری جمعی در چارچوب همگرایی منطقه‌ای مانند آسه آن، سارک، اکو، شانگهای و غیره. ایران از مزیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی بهره می‌برد. ایران عضوی از مجموعه کشورهای خاورمیانه و در عین حال بخشی از زیر مجموعه آسیای جنوب غربی و عضوی از گروه کشورهای خلیج فارس و دریای خزر است. قبل از فروپاشی اتحاد شوروی ایران تنها از مزیت‌های خود در خلیج فارس و خاورمیانه استفاده می‌کرد ولی پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱م به یکباره فرصت‌های متعددی در شرق، شمال شرق و شمال غرب کشور روی ایران گشوده شد. ۱۰ کشور جدید در قفقاز، آسیای مرکزی و کناره خزر به یکباره به ایران موقعیت جدیدی در همکاری‌های خود با کشورهای همسایه‌اش بخشیدند و نگرانی‌های امنیتی ایران ناشی از همسایگی با یکی از ابرقدرت‌های جهان را کاملا منتفی کردند. ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی است که به واسطه آن با ۱۵ کشور در چهار جهت جغرافیایی همسایه و هم مرز است و با توجه به قرار گرفتن در حد فاصل دو منطقه مهم

دریای خزر و خلیج فارس، از گذشته‌های دور به عنوان چهار راه مواصلاتی غرب به شرق و شمال به جنوب و مسیر طبیعی تجارت بین شرق و غرب (جاده ابریشم) مطرح بوده است. ایران با شرایط پیش گفته می‌تواند به محور ترانزیت کالا، خدمات و مسافر در منطقه تبدیل شود. وجود مرزهای مشترک آبی و زمینی، مشترکات فرهنگی و مذهبی، منابع مشترک، دستیابی به بازار منطقه و موقعیت منحصر به فرد ترانزیتی ایران از جمله مواردی است که همکاری و همگرایی بیشتر منطقه‌ای را ایجاب می‌کند. (عزتی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۶: ۶۱) یکی از محورهای راهبردی نگاه به شرق، سازمان همکاری شانگهای است. حضور ایران در این سازمان چه به صورت عضو ناظر یا عضویت دائم منافی را به همراه دارد که یکی از مهمترین آن منافع اقتصادی است. وجود کشورهای مثل چین، روسیه و هند بسترناسبی جهت افزایش تعاملات اقتصادی است. کشورهای عضو، موقعیت فوق العاده مستعد برای تبدیل شدن به یک بلوک انرژی در آسیا را دارد. دو تولیدکننده عمده نفت و گاز (ایران و روسیه) و دو مصرف کننده عمده انرژی (چین و هند) در این گروه و همگرایی بین آنها امتیازات ارزشمندی نصیب آنها می‌نماید. ایران به همراه روسیه می‌تواند نبض بازار سوخت آسیای مرکزی را در دست گیرند و خط لوله صلح برای انتقال گاز ایران از پاکستان به هند و در آینده چین در این راستا قابل توجیه است. احتمال افزایش حجم سرمایه‌گذاری چین، روسیه و هند در ایران و پروژه‌های مهم نفت و گاز وجود دارد. (برزگر و آدمی، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۱) روابط تاریخی و فرهنگی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی که از اعضای این سازمان می‌باشند و از دید تاریخی بخشی از ایران بوده‌اند در گسترش و تعلیق روابط بسیار موثر می‌باشد. پس از دوره اسلامی، این منطقه مرکز فرمانروایی سلسله‌های طاهری، سامانی و غزنوی و برخی از شهرهای آن مانند بخارا، سمرقند و مرو پایتخت بوده یا زیر حاکمیت ایران مراحل رشد و ترقی را پیموده است. از بعد زبان و فرهنگ مشترک بیشتر مردمان در این سرزمینها مسلمانند و تاجیکستان، قرقیزستان و ترکمنستان نمونه‌هایی هستند که نشان می‌دهند اسلام در این منطقه ریشه دارد. همچنین زبان فارسی می‌تواند بعنوان عاملی پیوند دهنده در منطقه مطرح باشد، بویژه اینکه در سنجش با دیگر عوامل کمتر مناقشه‌انگیز است و با اهداف سازمان شانگهای تضاد ندارد. (شمسیان فرد، ۱۳۸۵: ۲۵۰) در حوزه اقتصادی ایران می‌تواند از مزایای اقتصادی سازمان همکاری شانگهای مانند

مناطق معاف از مالیات، کاهش تعرفه‌ها و مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز بهره‌مند شود. (همان: ۲۶۵)

همکاری در زمینه ترانزیت کالا یکی دیگر از منافع متصور در عضویت در این سازمان است؛ موقعیت بی نظیر ایران در منطقه، شمال دریای خزر، جنوب خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند و نقطه اتصال آسیای مرکزی به آبهای آزاد، خطوط مواصلاتی جاده‌ای و ریلی امکان ترانزیت آسان، مطمئن و کم هزینه کالا از آسیای مرکزی به نواحی جنوب، غرب، جنوب غرب آسیا و بالعکس را فراهم می‌کند که مطابق با بند سوم منشور مؤسس شانگهای است. (برزگر و آدمی، ۱۳۸۹: ۲۳) فرصت‌های امنیتی از دیگر مزایای حضور ایران در شانگهای است. بعلت رفتار عمل‌گرای مبتنی بر منافع روسیه و چین در تعارضات کلان بین‌المللی فواید خاصی را از جانب آنها نباید انتظار داشت ولی در مسائل امنیتی منطقه‌ای، بعلت اینکه عوامل دخیل، دغدغه مشترک ما و همسایگان مان است و راه منطقی مقابله با آنها نیز اقدام جمعی تحت لوای تشکل‌های بین‌الدولی می‌باشد، همپوشی زیادی با محیط امنیتی دول عضو SCO دارد. عوامل تهدید آفرین امنیت ملی ایران، پاکستان، افغانستان، روسیه و چین و سایر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را دچار مخاطره می‌سازد. باید به این عوامل مخاطره‌آمیز، حضور نیروهای خارجی، ائتلاف امریکا - ناتو را نیز افزود. (همان: ۲۵)

با توجه به اینکه بخشی از حوزه امنیت پیرامونی ایران در مناطق شمالی به لحاظ موقعیت جغرافیایی با امنیت آسیای مرکزی گره خورده است، سازمان شانگهای می‌تواند بهترین و منطبق‌ترین نهاد منطقه‌ای سازگار با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد. ایران نیز قادر است که فرصت‌های مطلوبی در خصوص ترانزیت کالا و انرژی به سوی خلیج فارس و خاورمیانه فراهم کند و این سازمان را با منطقه استراتژیک خلیج فارس همسایه کند. (عزتی و یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۷۶) عضویت ایران در سازمان شانگهای البته به ادعان مقامات چین و روسیه و در دو عرصه برای اعضای شانگهای بسیار حائز اهمیت است: اول، نقش ثبات‌دهنده ایران در آسیای مرکزی به خاطر نفوذ سیاسی، فرهنگی و معنوی ایران و دوم، نقش اقتصادی و تجاری ایران در عرصه تولید و حمل و نقل، ارتباطات و انرژی است. علاوه بر این مؤلفه‌ها جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ها، ظرفیت‌ها و پتانسیل بسیار خوبی برای همکاری با شانگهای دارد، زیرا

عضویت ایران در پیمان شانگهای می‌تواند با سیاست اصولی خود در افزایش همکاری‌ها با همسایگان و نهادهای اقتصادی و منطقه‌ای و بین‌المللی همخوانی داشته باشد. ضمن آنکه از منظر استراتژی‌های کلان منطقه‌ای و بین‌المللی، نیز می‌توان شاهد نوعی همگرایی، همکاری و اشتراک مواضع میان ایران و سازمان همکاری شانگهای بود. (همان: ۷۶) نماینده ویژه رییس‌جمهور روسیه در سازمان همکاری شانگهای برنامه عضویت رسمی ایران و لزوم اجرای بدون تاخیر آن را عاقلانه خوانده و هیچ محدودیتی برای پیوستن ایران به سازمان همکاری شانگهای متصور ندانست. مسکو می‌خواهد روند پیوستن تهران به سازمان همکاری شانگهای طول نکشد و شتاب یابد و مذاکرات در این زمینه با شرکا در حال انجام است. نور سلطان نظربایف رییس‌جمهوری قزاقستان هم اعلام کرده است که عملی شدن برنامه پیش‌بینی شده عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای یک ضرورت توسعه‌ای برای این سازمان است.

عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند مشارکت در مانورهای نظامی سازمان که با مشارکت چهار قدرت نظامی و هسته‌ای جهان را به دنبال داشته باشد. مشارکت در مانورهای نظامی سازمان همکاری شانگهای می‌تواند امکان بهره‌گیری از دانش نظامی قدرت‌های بزرگ عضو این سازمان را فراهم کند. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق سازمان همکاری شانگهای همکاری امنیتی و نظامی خود با پاکستان را برای مبارزه با تروریسم در مرزهای شرقی افزایش دهد و از تهدیدهای تروریستی در این مناطق علیه امنیت ملی بکاهد. از بعد تجاری، تولید ناخالص داخلی کشور ایران و کشورهای عضو شانگهای موجب افزایش حجم جریان تجارت غیرنفتی میان ایران و شرکای تجاری عضو این سازمان شده است. در بررسی تأثیر سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک بلوک تجاری، نشان می‌دهد که ضریب پتانسیل تجاری مثبت بوده و می‌تواند جریان تجارت غیرنفتی دوجانبه میان ایران و کشورهای عضو شانگهای را به میزان ۱۷ درصد افزایش دهد. همچنین بنابر نتایج برآورد پتانسیل تجاری به روش جاذبه، کشور ایران در تجارت غیرنفتی خود با برخی کشورهای عضو سازمان شانگهای - به خصوص سه کشور مهم چین و روسیه و هند - به طور کامل از پتانسیل تجاری غیرنفتی خود استفاده نکرده و هنوز ظرفیت بلااستفاده وجود دارد. (رازینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۴) عضویت ایران در سازمان شانگهای توانسته حجم

روابط تجاری غیرنفتی دوجانبه ایران و کشورهای عضو را افزایش دهد. (همان: ۱۰۱) میزان تجارت غیرنفتی تحقق یافته ایران با کشورهای عضو شانگهای نشان می‌دهد در دوره زمانی ۲۰۰۷-۲۰۰۳، ایران در این سازمان بیش‌ترین تجارت غیرنفتی و بیش‌ترین سهم تجارت غیر نفتی تحقق یافته را با چین و سپس با روسیه و هند انجام داده است. (رازینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳)

از بعد سیاسی، با وجود تحریم‌ها و تلاش امریکا و غرب در انزوای ایران، حضور در یک ائتلاف بزرگ و ارزشمند ضروری است و شانگهای بعثت حضور دو قدرت جهانی روسیه و چین از اعتبار و منزلت خاصی برخوردار است. (برزگر و آدمی، ۱۳۸۹: ۲۴) ایران موقعیت گذرگاهی یعنی محل عبور مرور دارد، چنانچه موقعیت گذرگاهی در مقیاس منطقه‌ای اهمیت داشته باشد، یک موقعیت ژئوپلیتیک محسوب می‌شود، ولی اگر در مقیاس جهانی دارای اهمیت باشد یک موقعیت ژئواستراتژیک به حساب می‌آید. سرزمین ایران دارای هر دو موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است. ایران حتی به لحاظ حجم ذخایر نفتی و گازی از موقعیت ژئو-اکنومیک نیز برخوردار است. (آقاپور، ۱۳۸۶)



منبع: نگارنده

در بیانیه پایانی روسای کشورهای عضو در اجلاس ۲۰۰۷ شانگهای در زمینه امنیتی آمده است: کشورهای عضو طی نسلها دوستان یکدیگر بوده و هرگز بایکدیگر دشمن نخواهند شد. کشورهای عضو هرگز وارد هیچ اتحادیه یا سازمان بین‌المللی که علیه حاکمیت، امنیت و تمامیت ارضی دیگر اعضا سازمان فعالیت نماید، نخواهند شد و هرگز اجازه نخواهند داد تا از قلمرو آنها علیه حاکمیت، امنیت و تمامیت ارضی دیگر اعضا استفاده شود و در قلمرو خود مانع فعالیت سازمانها یا باندهایی می‌شوند که علیه منافع دیگر اعضا فعالیت می‌نمایند و در صورت ایجاد وضعیت‌های اضطراری تهدید کننده صلح و امنیت و ثبات منطقه، اعضا به بررسی امکان ایجاد ترتیبی برای پیشگیری از اختلافات و منازعات در منطقه خواهند پرداخت. با رسمی شدن عضویت هند و پاکستان، ایران، افغانستان، مغولستان و بلاروس چهار کشور عضو ناظر این سازمان منطقه‌ای هستند.

نتیجه‌گیری

روابط ایران با غرب بخصوص امریکا به حالت بحرانی رسیده است. پرونده هسته‌ای ایران باعث تشدید فشارهای غرب در محدودسازی ایران در دسترسی به فن آوری‌های پیشرفته، عدم رسیدن به توافقات عمده مانند قرارداد همکاری و تجارت مابین اتحادیه اروپایی و ایران، ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد و تصویب و اعمال تحریم‌های عمده تکنولوژیکی، علمی، مالی و برجام شده است. در چنین حالتی گرایش به کشورهای آسیایی می‌تواند به ایران این مجال را بدهد که اولاً برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت همکاری با کشورهای شرقی و شمالی خود برای روزهای سخت را در ذهن داشته باشد و ثانیاً از پتانسیل این کشورها برای مقابله با تحریمها و تهدیدات استفاده کند. اکنون استفاده از امکانات دریایی-خزر، آسیای مرکزی و قفقاز می‌تواند به عنوان مکمل و یا بدیل‌هایی برای روابط ایران در خلیج فارس و از طریق ترکیه مد نظر باشد. (عزتی و یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۶۳) از دید هاروی، استفاده از اجبار در سیاست و رهبری جهانی امریکا به وفور دیده می‌شود و از این رو می‌توان آن را تنها دولت‌یانی جهان نامید. (حاجی یوسفی و الوند، ۱۳۸۷: ۱۷۰) چند دهه خصومت، کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، قرارداد کنسرسیوم نفتی دوران شاه، حمله به سکوها نفتی، حمایت از صدام، غرق کردن کشتی ایران‌ارج، انهدام هواپیمای مسافری، تحریم اقتصادی گسترده، بلوکه کردن

حسابهای ایران، فشارهای متعدد به بهانه تسلیحات هسته‌ای، همه این عوامل گویای این است که ایران هویت خود را در تعارض و تخالف با هویت امریکایی می‌بیند. به لحاظ سیاسی، عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای که دو عضو شورای امنیت (روسیه و چین) و چهار قدرت هسته‌ای جهان (روسیه، چین، هند و پاکستان) در آن حضور دارند به منزله تکمیل شکست پروژه انزوای جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا است. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند زمینه‌های برقراری هژمونی منطقه‌ای ایران در خاورمیانه را فراهم نماید. (حاجی یوسفی و الوند، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

به لحاظ اقتصادی، عضویت دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد فرصت‌های اقتصادی و سبب افزایش همکاری دوجانبه و چند جانبه میان اعضای سازمان و جمهوری اسلامی ایران شود. همچنین امکان بهره‌گیری از امکانات اقتصادی چین در بازار انرژی جمهوری اسلامی ایران و صادرات بیشتر نفت به چین فراهم می‌شود. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از کانال سازمان همکاری شانگهای امکان سرمایه‌گذاری بیشتر و تقویت نفوذ اقتصادی در کشورهای آسیای مرکزی را فراهم کند. در عین حال، با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران بخش اساسی از کریدور حمل و نقل شمال- جنوب است که در سال ۲۰۰۳ میان هند، ایران و روسیه در سن پترزبورگ امضا شد، عضویت دائم در شانگهای می‌تواند امکان استفاده از فرصت‌های ترانزیتی برای جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند. (Berdibaevich, 2015: 7) ایران در خاورمیانه، چین در آسیای شرقی و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، داعیه هژمونی منطقه‌ای دارند. از این رو می‌توان چنین عنوان کرد که هر یک از این کشورها در حوزه‌های مجزا قرار گرفته و منافع هر یک از آنها در مناطق تحت نفوذ دیگری در مسائل اقتصادی خلاصه شده است و شامل مسائل حیاتی نظامی و امنیتی نمی‌شود. (عزتی و یزدان‌پناه، ۱۳۸۶: ۷۰) خط مشی منطقه‌ای بر سر نفت و گاز که در برگزیده سازوکاری جهت سازمان دادن به مناسبات منطقه‌ای و همکاری متقابل برای چیره شدن بر اختلافات فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی باشد، قابل تصورات است. چنین ترکیبی منافع آشکاری را برای ایران عرضه می‌کند و در ابتدایی‌ترین سطح بر تقویت مولفه‌های امنیت ملی موثر است. (کیانی، بی‌تا: ۵۲) تأمین مطمئن انرژی قابل اطمینان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های توسعه

پایدار و با ثبات سیاسی در دنیای معاصر است. از این رو مسایل مربوط به امنیت انرژی ذهن بسیاری از سیاستمداران و پژوهشگران و حتی مردم عادی را به خود مشغول نموده است. طبق پیش‌بینی‌های متعدد توسط آژانس بین‌المللی انرژی، مصرف انرژی تا سال ۲۰۲۰ رشد جهشی خواهد داشت. در چنین وضعیتی توجه به آینده منابع انرژی و چگونگی سامان‌دهی تولید، انتقال و مصرف آن بر عهده همه تولید کنندگان و مصرف‌کنندگان انرژی است. این امر جز با اتخاذ یک سیاست مناسب و فراگیر در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای برای بهره‌برداری بهینه از منابع و خطوط انتقال انرژی و برتری دادن منافع بلند مدت به منافع زودگذر و کوتاه مدت امکان پذیر نخواهد بود. چنانچه در یک روند همکاری سود اقتصادی بیشتر حاصل شود منطق اقتصادی به همکاری حکم خواهد داد. در یک بررسی اقتصادی از مجموعه هزینه‌های متصور بر اکتشاف و استخراج نفت و گاز موجود در حوزه خزر هزینه‌های انتقال به بازار مصرف و هزینه‌های ناشی از آثار قراردادهای منعقد بر کندی همکاری کشورهای منطقه در دیگر بخش‌های اقتصادی این نتیجه حاصل می‌شود که اگر یک روند همگرایی منطقه‌ای بر اساس منافع مشترک اعضا شکل گیرد و چنانچه اعضا بتوانند منافع بلند مدت خود را در یک روند همکاری منطقه‌ای تعریف کنند منافع حاصله برای آنان به مراتب بیشتر خواهد بود. در حوزه اقتصادی ایران می‌تواند از مزایای اقتصادی سازمان همکاری شانگهای مانند مناطق معاف از مالیات، کاهش تعرفه‌ها و مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز بهره‌مند شود. (شمسیان فرد، ۱۳۸۵: ۲۵۶) صنعت گردشگری می‌تواند تاثیر بسزایی در افزایش اشتغال، درآمدهای مرتبط با مکان‌های اقامتی و نیز درآمدهای دولتی کشورها داشته باشد. از این رو، گردشگری به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم بر رشد اقتصادی تاثیر می‌گذارد. با توجه به اینکه بخشی از حوزه امنیت پیرامونی ایران در مناطق شمالی به لحاظ موقعیت جغرافیایی با امنیت آسیای مرکزی گره‌خورده است، سازمان شانگهای می‌تواند بهترین و منطبق‌ترین نهاد منطقه‌ای سازگار با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران باشد. ایران قادر است که فرصت‌های مطلوبی در خصوص ترانزیت کالا و انرژی به سوی خلیج فارس و خاورمیانه فراهم و این سازمان را با منطقه استراتژیک خلیج فارس همسایه کند. (عزتی و یزدان پناه، ۱۳۸۶: ۷۶) با اینکه عضویت ایران از جهاتی می‌تواند برای منافع ملی ایران و توسعه حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی

ایران مفید باشد، اما با در نظر گرفتن سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، ایران برای دستیابی به جایگاه مورد انتظار باید در سازمانهای منطقه‌ای مشارکت داشته باشد تا بتواند جایگاه ژئوپلیتیکی خود را ارتقاء دهد. در صورت عدم پذیرش ایران به عضویت دائم، ایران هم با عضویت ناظر و هم با همسایگی با شانگهای می‌تواند از فضای سیاسی، اقتصادی شانگهای بهره‌گیرد. به نوعی موقعیت جغرافیایی ایران در همسایگی چنین سازمان مهمی دارای ارزش استراتژیک است. ایران بزرگترین دارنده منابع انرژی، موقعیت جغرافیایی چهارراهی و به یک اعتبار، موقعیت ژئوپلیتیکی ارزشمند که پتانسیل بسیار بالایی برای ارتقای جایگاه ژئو-اکنومیکی دارد، با مدیریت هوشمندانه در هر حالتی می‌تواند از این فرصت بهره‌مند شود (امیراحمدیان و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۹). یکپارچگی تجاری سازمان شانگهای، ۱۷ درصد تجارت غیر نفتی میان ایران و کشورهای عضو را افزایش خواهد داد. (رازینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۱)

تشکیل سازمان همکاری شانگهای در سطوح استراتژیک و منطقه‌ای با اهداف سیاست خارجی ایران همپوشانی‌های فراوانی دارد. در سطح استراتژیک ایران سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه واشنگتن را که از هنگام فروپاشی شوروی آغاز و با حادثه یازده سپتامبر تسریع شده است، مخالف منافع و امنیت ملی خود ارزیابی کرده و سیاست نگاه به شرق را یکی از راه‌های تعدیل موازنه بخشی به هژمونی امریکا قلمداد می‌کند. جدا از مطلوبیت استراتژیک در سطح منطقه‌ای زمینه همکاری سیاسی، امنیتی و اقتصادی فراوانی وجود دارد که همکاری در بخش انرژی از جمله آنها به شمار می‌آید. (کوزه‌گر، ۱۳۸۸: ۸۷) پتانسیل‌های عظیم شانگ‌های، برای توسعه و قدرت‌گیری هر چه بیشتر، نوع چیدمان اعضای آن، اهداف و مقاصد که دنبال می‌کند و احتمال ورود بازیگران جدید به جمع حاضر که می‌تواند عرصه مانور سازمان را گسترش دهد و وجود تنش‌های اساسی در روابط دو ستون اصلی شانگهای-روسیه و چین-با امریکا وضعیت قابل‌تاملی را به این سازمان داده است. بهم پیوستگی اقتصادهای کشورهای منطقه، ایجاد بازار مشترک در زمینه تبادل کالاها، خدمات و تکنولوژی، اتصال خطوط انتقال انرژی نفت و گاز، استفاده از تسهیلات بندری ایران، اتصال سیستم بانکداری و تجارت و تقویت توریسم، خطوط کشتیرانی، حمل‌ونقل هوایی، رفع محدودیت‌های گمرکی و مرزها می‌تواند زمینه‌های وابستگی متقابل در تمام زمینه‌ها را فراهم کند که به نوبه خود کشورها را در

برابر امنیت جمعی مشترک مسئول و پاسخگو می‌سازد. تقاضای عضویت ایران در سازمان شانگهای پس از بررسی‌های اولیه کارشناسی، در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۸۳ ش ارائه و سند پیوستن ایران به همراه پاکستان و هند به عنوان ناظر در اجلاس سران سازمان در شهر آستانه در تاریخ ۱۴ و ۱۵ تیرماه ۱۳۸۴ امضا شد. (شمسیان فرد، ۱۳۸۵: ۲۴) که با پیوستن دو کشور هند و پاکستان شرایط بهتری برای عضویت ایران فراهم شده است. به اعتقاد علی اکبر ولایتی، مشاور بین‌الملل رهبر معظم انقلاب معتقد است که اگر کشورهای عضو شانگهای در کنار هم قرار گیرند، با عزم راسخ و تدبیر لازم به سمتی خواهد رفت که بزرگ‌ترین مجموعه قدرتی جهان را در خود جای خواهد داد. (حاجی یوسفی و الوند، ۱۳۸۷: ۱۸۵)

سازمان همکاری شانگهای با توجه به موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک اعضای خود از اهمیت زیادی در نظام بین‌الملل برخوردار است. بهره‌گیری سازمان همکاری شانگهای از ظرفیت‌ها و شناسایی و برطرف نمودن چالش‌های خود می‌تواند باعث ارتقای نقش سازمان همکاری شانگهای و نیز قاره‌کهن آسیا در نظام نوین بین‌المللی گردد. اجماعی در بین صاحب نظران روابط بین‌الملل در حال شکل‌گیری است که ظهور آسیا در نظام بین‌الملل، امری کم و بیش قطعی بوده و آسیا از سرنوشت سازترین مناطق جهان می‌باشد. (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰۵) در این بین ایران نه تنها می‌بایست در مسائل آسیا فعال باشد بلکه با حضور نظامی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند عمده‌ترین قدرت در عرصه آسیا باشد و در بدست آوردن این جایگاه، چگونگی ارتباط با سازمان شانگهای دارای اهمیت است. عضویت ایران در سازمان، ضمن کاهش تهدیدهای منطقه‌ای و افزایش مشارکت در همکاری‌های منطقه‌ای، تامین منافع ملی و افزایش قدرت چانه‌زنی ایران را در پی خواهد داشت. در منطقه پیرامون مرزهای شمالی نیز این سازمان می‌تواند مهمترین نهاد سازگار با منافع ایران باشد. ایران با عضویت دائم و حضور فعال می‌تواند موقعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک خود را افزایش دهد و از فرصت ویژه ترانزیت کالا و انرژی بهره برده و سازمان را به خلیج فارس متصل نماید.

منابع فارسی

کتاب:

- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۱)، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشر نی، چاپ دوم
- حمیدرضا انوری، مرتضی موحد رحمانی (بی تا)، سازمان همکاری شانگهای: چشم اندازی به سوی جهان چند قطبی

مقالات

- ابراهیم رازینی، فائقه شاهانی و هدیه وجدانی طهرانی (۱۳۹۲)، بررسی پتانسیل تجاری میان ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای (SCO) با استفاده از مدل جاذبه، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۶۹
- آذربایجانی، کریم (۱۳۸۱)، جهانی شدن، همگرایی اقتصادی- منطقه‌ای و تاثیر آن بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری قفقاز، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۱
- احمدی، حمید (۱۳۸۱)، هویت قومی یا هویت ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱
- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۵)، سازمان همکاری شانگهای (اهمیت ژئواستراتژیک)، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پانزدهم، دوره چهارم، شماره ۵۵
- الهه کولایی، فتح اله مرادی (۱۳۸۹)، پیامدهای امنیتی سازمان شانگهای در آسیای مرکزی، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۴
- امیرمحمد حاجی یوسفی، مرضیه سادات الوند (۱۳۸۷)، ایران و سازمان همکاری شانگهای: همزونی و ضد همزونی، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۲
- امید، علی (۱۳۸۵)، تاثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بالندگی آسه آن، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۱
- بهرام امیراحمدیان، میرعبداله حسینی (۱۳۹۰)، مطالعه جایگاه ژئواکونومیک سازمان همکاری شانگهای در جهان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۳
- حامد عمویی، سامان رحیمی (۱۳۹۰)، جهانی شدن اقتصاد و راهبردهایی برای منافع ملی ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره پانزدهم
- داود آقایی، حسین راهدار (۱۳۹۴)، نقش سازمان همکاری شانگهای در برقراری نظم مبتنی بر موازنه قدرت، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۸، شماره ۲

- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)، تحول نظریه‌های منطقه گرایی، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۵
- رضا اکبریان، بهاره پورجم (۱۳۹۱)، جهانی شدن و روند تحولات اقتصادی در خاورمیانه، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره ۲۸۷
- رنای، محسن (۱۳۸۳)، بدون جهانی شدن ما هرگز ایرانی نخواهیم ماند، نشریه پیام اقتصاد، شماره ۱۴
- زهرا پیشگاهی فرد، حجت مهکویی (۱۳۹۱)، منطقه گرایی در عصر جهانی شدن مطالعه موردی: سازمان منطقه ای گوآم، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، شماره ۱۰
- سعید وثوقی، سیدجواد امام جمعه زاده و مجید دیوسالار (۱۳۹۰)، جمهوری اسلامی ایران و ترتیبات امنیتی منطقه ای در آسیای مرکزی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۲
- شمسیان فرد، حمید (۱۳۸۵)، سازمان همکاری شانگهای و آینده ایران در آن، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۳-۲۲۴
- شهریاری، محمدعلی (۱۳۸۸)، تحلیل تاثیر عوامل سیاسی - امنیتی در همگرایی منطقه‌ای با بررسی موردی آسه آن و شانگهای، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴
- شهیدی، نیما (۱۳۸۵)، جهانی شدن آموزش عالی، فصلنامه آموزشی، تحلیلی فرهنگ آموزش، پیش شماره ۳
- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی رویکرد راهبردی چین، روسیه، امریکا، هند، پاکستان و ایران به سازمان همکاری شانگهای، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۰
- علیرضا شکیبایی، فاطمه کبری بطا (۱۳۸۸)، همگرایی اقتصادی در منطقه آسیای جنوب غربی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۳
- علیرضا شکیبایی، حسن شاه سنایی (۱۳۹۱)، بررسی همگرایی اقتصادی و همزمانی چرخه‌های تجاری در گروه شانگهای، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، سال دوازدهم، شماره ۳
- عزت اله عزتی، کیومرث یزدان پناه درو (۱۳۸۶)، تحلیلی بر ژئوپلیتیک پیمان اقتصادی - امنیتی با تاکید بر چشم انداز عضویت ایران در این سازمان، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره ۳
- فرزاد رستمی، مجتبی صالحی کروتویجی (۱۳۹۵)، راهبرد امنیتی امریکا و گرایش ایران به شانگهای، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره ۳

- فرزاد رستمی، مجتبی صالحی (۱۳۹۵)، راهبرد امنیتی امریکا و گرایش ایران به شانگهای، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره سوم
- کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۸)، تاملی بر طرح تشکیل باشگاه انرژی در سازمان همکاری شانگهای، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱
- کیهان برزگر، علی آدمی (۱۳۸۹)، تحلیلی راهبردی درسیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر نگاه به شرق و سازمان همکاری شانگهای)، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۹
- کیانی، وحید(بی تا)، الزامات همگرایی منطقه‌ای در بین کشورهای حوزه خلیج فارس با تاکید بر دیپلماسی انرژی، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس
- گودرزی، مهناز(۱۳۹۳)، جهانی شدن و منطقه گرایی تعامل یا تقابل(مطالعه موردی: سازمان همکاری شانگهای)، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۷، شماره ۲
- گارینه کشیشیان، سیامک سیار (۱۳۹۴)، تاثیر جهانی شدن اقتصاد بر جایگاه ژئواکونومیک ایران در منطقه آسیای جنوب غربی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲
- مرجان بدیعی ازندهای، مجید شریفی رضوی و فاطمه سادات میراحمدی(۱۳۹۳)، بازتاب‌های جهانی شدن سیاسی بر سازمان همکاری شانگهای، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال چهاردهم، شماره ۳۲
- میرعبداله حسینی، تقی هومن (۱۳۸۶)، مطالعه تطبیقی شاخص های اقتصاد کلان بین الملل کشورهای عضو اکو در فرآیند منطقه گرایی، مجله دانش و توسعه، شماره ۲۰
- محمدرضا لطفعلی پور، سیده زهرا شاکری و فاطمه کبری بطا (۱۳۹۰)، بررسی همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای امریکای لاتین(کاربرد مدل جاذبه)، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره ۳
- نعمت اله اکبری، شکوفه فرهمند (۱۳۸۴)، منطقه‌گرایی اقتصادی کشورهای اسلامی و بررسی سرریزهای منطقه‌ای با تاکید بر نقش منتخبی از کشورهای حوزه خلیج فارس: مطالعه ای بر مبنای اقتصادسنجی فضایی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۴
- وحید بزرگی، میرعبداله حسینی(۱۳۸۹)، سازمان همکاری شانگهای: تحولات گذشته و چشم انداز آینده، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال سوم، شماره ۷

- واتسون، گرک (۱۳۸۵)، تحولات سازمان همکاری شانگهای: امنیت ایران در قرن ۲۰، ترجمه فاطمه سلطانی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکز و قفقاز، سال پانزدهم، شماره ۵۵
- هادی سلیمان پور، مریم سلیمانی درچاق (۱۳۹۵)، همگرایی اقتصادی در اوراسیای مرکزی در تطبیق با الگوی کانتوری و اشپیگل، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۳

خبرگزاری

- آقاپور، جلیل (مهر ۱۳۸۶)، موقعیت گذرگاهی ایران و ژئوپلیتیک ثبات و بی ثباتی، روزنامه کیهان
- وحیدیان، امیر (۱۳۸۸)، نخبگان و معانی جهانی شدن، روزنامه همشهری، شماره ۴۹۹۹

منابع انگلیسی

Book

- Christopher Len (June 2004), **Anarchy and the Barriers to Community Regional Cooperation in the Post-Cold Warera Shanghi Cooperation Organization**. Uppsala University
- Sutter Robert (2000), **Chinese Policy Priorities and the Implications For the United States**. Lanham. Maryland: Rowman and Littlefield Publishers. Inc

Articles

- Berdibaevich Stambulov Serik and Others, (2015), **the Main Problems of SCO Enlargement at the Present Stage**, Asian Social Science, Vol. 11, No. 13; 2015 ISSN 1911-2017 E-ISSN 1911-2025
- Marcel de Haas (2016), **The Journal of Slavic Military Studies**, Volume 29, 2016 - Issue 3.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی